

آذربایجان

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۸۲ خرداد ۱۳۹۰

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور فرقه دموکرات آذربایجان

بعد از سقوط دیکتاتوری رضا شاه مردم ایران سکوت ۲۰ سال را در هم شکستند. اولین بار بعد از انقلاب مشروطیت، سازمانهای سیاسی در صحنه سیاست ایران حضور پیدا کردند. همه این آزادیهای دموکراتیک مدیون شرایطی جهانی و حضور ارتش متفقین در ایران بود. سازمانهای چپ در سراسر ایران بویژه در شمال و شمال غربی ایران (آذربایجان) گسترش یافت. آذربایجان و شمال ایران یگانه منطقه بودند که در آن به جز حزب توده ایران تشکیلات دیگری وجود نداشت. آذربایجان منطقه ای است که همیشه در مبارزه برای آزادی و دموکراسی پیش گام بوده است. مردم آذربایجان در حول و حوش حزب توده ایران گرد آمدند. بدین طریق آذربایجان به یک منطقه انقلابی تبدیل شد. مبارزه علیه اربابان و ستم ژاندارمها توسعه یافت. در زد و خوردها میان دهقانان و اربابان بسیاری از مبارزین جان خود را از دست دادند. این مبارزه مردم آذربایجان را آب دیده نمود. آینده نزدیک نشان داد که آذربایجان در جبهه مقدم آزادیخواهان ایران است.

نیروهای متفقین رضاشاه را از قدرت خلع ید کردند. آزادیهای دموکراتیک را به ایران باز گرداندند. اما حکومت کهنه کار در جای خود باقی ماند و پشت سر این حکومت بریتانیا و آمریکا که در ایران حضور نظامی داشتند قرار گرفتند. بدین سبب بود که این دو کشور میخواستند نیروهای خود را قبل از موعد مقرر بیرون ببرند. تا بدین وسیله حکومت دست نشانده آنها دیکتاتوری دوران رضا شاه را دو باره احیا کند. در چنین شرایطی ضرورت پیدایش یک نهضت مردمی در آذربایجان محسوس بود. برای این که آذربایجان مبارزه ضد دیکتاتوری را بر دوش بکشد، تشکیل سازمانی لازم بود که مردم را برای مبارزه در این راه بسیج کند. این سازمان نام فرقه دموکرات آذربایجان را به خود گرفت. سازمانی که پایه طبقاتی وسیع داشت و می بايست همه ساکنین آذربایجان صرف نظر از ملیت و زبان، پیرامون این سازمان ملی گرد آورد. همه شهروندان کشور را در راه آرمان های آزادی و دموکراسی متشکل کند. ادامه در ص ۲

پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

سرزمین ایران به دلیل جایگاه ویژه ای که در منطقه خاورمیانه دارد، همیشه مورد طمع کشورهای استعمارگر و امپریالیستها واقع بوده است. این ویژگی همواره زمینه حضور استعمارگران، در ایران را فراهم کرده است. امابدنبال جنگ جهانی دوم و سست شدن پایه های حکومت رضا شاه و خروجش از ایران و نیز رشد و قدرت گیری نیروهای ضد استعماری در اروپا و بویژه شکست فاشیسم، شرایط عینی را برای حرکات ضد استعماری و آزادی خواهانه در کشورمان فراهم کرد. احزاب، جمعیت ها و تشکل های سندیکایی و توده ای به سرعت تشکیل و سازماندهی شدند. جنبش ضد استعماری بخصوص بر علیه غارتگران امپریالیسم انگلیس که سالها بر ثروت ایران، بویژه نفت، چنگ اداخته بودند، اوج گرفت. امر علیرغم مقاومت

خونین انگلیسی ها و ارتجاع داخلی منجر به ملی شدن صنعت نفت گرد. دولت انگلیس پس از ملی شدن صنعت، به جهت از دست دادن یکی از منابع سرشار ارزی خود، لحظه ای از توطئه علیه دولت ملی دکتر مصدق دست بردار نداشت. بدین ترتیب ملی شدن صنعت نفت، مصدق و مردم ایران را رویاروی دولت استعمارگر انگلیس قرارداد. پس از مدت ها کشاکش و ترفندها که انگلیسی ها، دربار و ارتجاع داخلی بکار بردند تا دولت ملی دکتر مصدق و ادار به تسلیم کنند و موفق نشدند. دولت بریتانیا به این نتیجه رسید، که تنها راه حل مسئله نفت، سرنگونی دولت مصدق می باشد. اما چون انگلیسی ها با توجه به حضور گسترده مردم در دفاع از ملی شدن صنعت نفت و وجود حزب پر قدرتی چون حزب توده ایران، اطمینان نداشتند بتوانند به تنهایی این کار را بکنند، ناگزیر از جلب و مشارکت قدرت نوظهور آمریکا شدند. ادامه در ص ۱۱

در این شماره

ص ۱۴	سایه سنگین بحران
ص ۱۷	قیام مردمی در انگلستان
ص ۱۸	شیخ محمد خیابانی
ص ۲۰	اعدام زندانیان ادامه دارد
ص ۲۲	سوسیالیسم از تخیل به علم
ص ۲۵	در آذربایجان چه می گذرد
ص ۲۸	آذربایجاندا نه لر باش ویریر
ص ۳۰	علامیه کمیتة مرکزی
ص ۳۱	«الویداع»

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور فرقه دمکرات آذربایجان

بازارهای خارجی برای فروش امتعه آذربایجان با استفاده از راه های ترانزیت می باشد...

۶- یکی دیگر از هدف های اصلی فرقه دمکرات آباد کردن شهرهای آذربایجان است. به همین زودی قانون انجمن های شهر تغییر خواهد یافت... به خصوص تأمین آب آشامیدنی مردم شهر تبریز از مسائل فوری و جاری فرقه دمکرات آذربایجان می باشد.

۷- بنیان گذاران فرقه دمکرات به خوبی میدانند که نیروی ثروت آفرین و توان اقتصادی در بازوی روستایان نهفته است... فرقه سعی خواهد کرد که به منظور تأمین نیازهای روستایان قدمهای اساسی بر دارد. تعیین حدود معقول در پرداخت های رعایا به اربابها و جلوگیری از مالیاتهای غیرقانونی... از وظایف مبرم و فوری فرقه دمکرات است... املاک خالصه و زمین های که اربابان آنها متواری شده اند... در صورتیکه که این زمین داران بزودی به آذربایجان مراجعت نکنند و بر اساسی موازین قانونی فرقه، در اختیار روستایان گذشته خواهد شد... فرقه تلاش خواهد کرد تا نیازهای روستایان و کشاورزان به ابزارهای کشاورزی و زمین را مستقماً و سریع مرتفع نماید.

۸- یکی دیگر از مهم ترین وظایف فرقه دمکرات مبارزه بر علیه بیکاری است. خطر بیکاری از هم اکنون بطور جدی خود نمائی میکند... از طرف دولت مرکزی و مقامات محلی آنها هیچ اقدامی در این زمینه انجام نگرفته است... فرقه مجدانه می کوشد که این خطر مهار شود...

۹- فرقه دمکرات خواهد کوشید تا آذربایجان متناسب با نفوس حق انتخاب نماینده داشته باشد. در این صورت نمایندگان آذربایجان تقریباً یک سوم کل

آماده کردن برنامه چنین سازمانی ضرورت مبرم داشت. این برنامه توسط پیشه وری تهیه و در روز دوازدهم شهریور ۱۳۲۴ (۳ سننایار ۱۹۴۵) به دو زبان آذربایجانی و فارسی منتشر شد. در بیانیه ۱۲ شهریور ضرورت کسب خود مختاری آذربایجان با دلایل کافی تصریح و تحصیل خود مختاری بوسیله انجمن ایالتی پیش بینی شده است. متن خلاصه شده ۱۲ ماده ای بیانیه را در اختیار خوانندگان قرار می دهیم.

۱- ضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، باید به موازات آن برای خلق آذربایجان آزادی داخلی و خود مختاری مدنی داده شود که بتواند در راه احیای فرهنگ خود و آبادانی آذربایجان و هم سو با حفظ قوانین عادلانه مملکت سرنوشت خود را تعیین کند...

۲- برای اجرای همین منظور بالفور انتخاب انجمنهای ایالتی و ولایتی برگزار و شروع بکار خواهد کرد.

۳- در مدارس آذربایجان تا کلاس سوم بزبان آذربایجانی تدریس و از کلاس سوم به بعد در کنار زبان آذربایجانی، زبان فارسی نیز تدریس خواهد شد...

۴- فرقه دمکرات آذربایجان در خصوص گسترش صنایع و کارخانه ها تلاش نموده و سعی خواهد کرد. کارخانه های موجود تکمیل و از این طریق به رفع مشکل بیکاری پرداخته و در گسترش صنایع دستی و ماشینی وسائلی را بوجود خواهد آورد...

۵- گسترش تجارت از مسائل لازم و جدی فرقه دمکرات محسوب می شود. انسداد راه ها تا امروز موجب پامال شدن ثروتهای خرده مالکیتی روستایان و بازاریان سبب افلاس... آنان شده است. برای جلوگیری از این کار فرقه دمکرات در پی یافتن راه های از جمله

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور...

نمایندگان مجلس را تشکیل خواهد داد... انتخابات باید در سراسر ایران (بشکل آزاد) همزمان برگزار و کمترین زمان ممکن تمام شود.

۱۰- فرقه دمکرات آذربایجان با کارکنانی که خود را در جمع ادارات جا داده و به گرفتن رشوه و عمل اختلاس مشغولند مبارزه خواهد کرد و از کارکنان صادق قدردانی به عمل خواهد آورد. مخصوصاً تلاش خواهد کرد تا در آمد آنها را بطوری تنظیم کند که ایشان نیاز به دزدی و خیانت نداشته باشند... و یک زندگی آبرومند برای خود فراهم کنند.

۱۱- فرقه دمکرات سعی خواهد کرد بیشتر از نصف مالیات های مستقیم صرف احتیاجات خود آذربایجان بشود. و از میزان مالیات های غیر مستقیم به میزان قابل توجهی کاسته شود.

۱۲- فرقه دمکرات آذربایجان خواهان دوستی با تمام دولت ها به خصوص دول متفق می باشد و به این روند تداوم خواهد بخشید.

در پایان این بیانیه گفته می شود اینها هدف های بنیادین بنیانگذاران فرقه دمکرات هستند. ما امیدواریم هر یک از وطنپرستان آذربایجان چه در داخل آذربایجان یا بیرون از آذربایجان در رسیدن به این هدف مقدس با ما هم صدا و متحد شوند.

بعد از انتشار بیانیه دوازده شهریور تشکیل سازمانهای فرقه دمکرات آذربایجان در سراسر آذربایجان تسریع شد. سازماندهی در مدت کوتاه پایان یافت و دوران بسیج مردم برای دست یابی به خواستهای ملی آغاز گردید. فرقه دمکرات آذربایجان خود را برای قیام مسلحانه آماده نمود. پست های ژاندارمری و پادگانهای نظامی یکی پس از دیگری در مقابل فدائیان تسلیم شدند. لشکر سه تیریز بشکل مسالمت آمیز تسلیم شد. تیریز در دست فدائیان قرار گرفت. فرماندهان لشکر

چهار ارومیه از تسلیم شدن سر باز زدند. جنگ خونین میان فدائیان و لشکر چهارم رخ داد. با این حال این لشکر نیز در عرض چند روز تسلیم شد. فرمانده آنها دستگیر و زندانی گردید.

کنگره سراسری آذربایجان در تبریز تشکیل گردید وظایف حکومت جدید آذربایجان را مشخص نمود و با نشر اعلامیه، هدف خود را اعلام نمود. این اعلامیه ها به سازمان ملل متحد، به مجلس شورای ملی و به شخص شاه فرستاده شد. در این اعلامیه ها تصریح می شد که آذربایجان جز لایتجزای ایران است، مردم با دست یابی به خود مختاری محلی، امور داخلی آذربایجان را اداره خواهند کرد.

کنگره ملی برای اداره امور آذربایجان یک هیئت ۳۹ نفری انتخاب نمود و این هیئت تا تشکیل مجلس ملی آذربایجان وظایف محول را اجرا نمود.

انتخابات مجلس بزودی آغاز گردید اولین بار در تاریخ ایران زنان از حق رأی بر خوردار شدند. بعد از انتخابات، مجلس ملی تشکیل گردید، هیئت رئیسه خود را انتخاب نمود در اولین نشست، مجلس پیشه وری را مأمور کرد تا کابینه دولت خود را تشکیل دهد و به مجلس معرفی نماید. پیشه وری وزرای دولت خود را انتخاب و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس ملی تقدیم نمود. در عین حال برنامه دولت را نیز تقدیم مجلس کرد. بعد از مذاکره و ارائه پیشنهادات اصلاحی، برنامه دولت به تصویب رسید و وزرای دولت رأی اعتماد گرفتند. پیشه وری بعنوان نخست وزیر برای اجرای برنامه، اقدامات عملی لازم را انجام داد. در عرض کوتاه ترین مدت اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجام گرفت. آبادانی شهرها و راه ها، اصلاحات ارضی، اصلاحات فرهنگی، رسمیت دادن به زبان مادری در تمام ادارات و آموزش پرورش، تشکیل دانشگاه دولتی از جمله

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور...

سرکار آوردند تا با دست این روباه پیر به هدف شیطانی خود دست یابند و چنین هم شد. قوام با مقامات شوروی به مذاکره پرداخت، و «قول» داد مسئله آذربایجان را از طریق مذاکرات حل خواهد نمود. قوام حیلۀ گر عزم خود را جزم کرد و راهی مسکو شد با رهبران شوروی وارد مذاکره گردید. با این که در این اقامت ۲۱ روزه، به همه اهداف خود دست نیافت. ولی در سه مورد. ۱- خروج ارتش شوروی از ایران. ۲- قرار داده نفت شمال. ۳- درباره حل مسئله آذربایجان از طریق مذاکره، توافق ضمنی کردند. قوام به تهران باز گشت. شوروی سفیر جدید خود را به تهران فرستاد. مذاکره میان قوام و سفیر شوروی «با موفقیت» انجام گرفت. تاریخ خروج ارتش شوروی از ایران معین گردید و تصویب قرار داد نفت شمال به دوره پانزدهم مجلس شورای ملی واگذار شد. برای حل مسئله آذربایجان مذاکره میان تبریز تهران آغاز گردید. این مذاکرات با ابتکار قوام السلطنه انجام گرفت. با پیشنهاد قوام هیئتی از آذربایجان به ریاست پیشه وری به تهران رفت. گرچه سفر پیشه وری به تهران غیر قابل انتظار بود. با اینهمه فرقه ثابت کرد که آماده است برای حفظ صلح و آرامش از خود گذشتگی نشان دهد.

مذاکره با تهران در جو بسیار سنگینی انجام پذیرفت. به دلیل اینکه تهران این گفتگو را بسیار بی اهمیت و سرسری بر گزار میکرد. و شاید هم از روی تجاهل می خواستند جنبش آذربایجان را بی ارزش قلمداد کنند. با این حال گفتگوها پانزده روز به درازا کشید و اعضای هیئت آذربایجان بدون حصول نتیجه، به تبریز باز گشتند. بعد از مراجعت نمایندگان آذربایجان دولت قوام ابلاغیه هفت ماده ای در مورد حل مسئله آذربایجان منتشر کرد. در این ابلاغیه گفته میشود. «به موجب»

اصلاحاتی بود که انجام شد. که در تاریخ آذربایجان با خط زین ثبت شده است.

تشکیل حکومت ملی در آذربایجان، اصلاحات انجام شده از طرف این حکومت، دشمنان آزادی و دمکراسی در ایران و خارج از ایران را به وحشت انداخت. تبلیغات ضد آذربایجانی در تهران و در قسمت های جنوب ایران و نیز در آمریکا و انگلیس بشکل گسترده ای شروع شد. عمده ترین هدف این تبلیغات وسیع، خنثی کردن تأثیر اصلاحات دمکراتیک آذربایجان، در سراسر ایران و خاورمیانه بود. آنها بخوبی می دانستند که آذربایجان خودمختار به هیچ وجه از ایران جدا نخواهد شد. پیشه وری شخصیتی بود که ایران را میهن خود می دانست و به خاطر همین میهن پرستی بود که ده سال را در زندان رضا شاه با شکنجه های جسمی و روحی گذراند. برگشتش به آذربایجان و تشکیل حکومت ملی در این منطقه انقلابی، به خاطر برگرداندن آزادی به ایران بود. او با صراحت می گفت متفقین از ایران می روند، حکومت مرتجعین در سر قدرت باقی خواهد ماند و این حکومت با اتکا به آمریکا و انگلیس دوران سیاه دیکتاتوری رضا شاه را احیا خواهد نمود. دولت آمریکا و انگلیس نیز بر این «عقیده» بودند که ایران به مرحله ای نرسیده است که در آن دمکراسی بر قرار شود. جدا کردن آذربایجان از ایران و الحاق آن به آذربایجان شوروی بهانه ای بود در دست مرتجعین برای طرد نفوذ شوروی از ایران و سرکوب جنبش ملی در آذربایجان.

دولت های حکیمی و صدر با عجله می خواستند ارتش شوروی از ایران خارج شود تا دست دولت مرکزی برای سرکوب نهضت آذربایجان باز شود. مرتجعین دست به حیلۀ و تزویر زدند. قوام السلطنه را

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور...

در این مورد، هنگام تشکیل پانزدهمین دوره قانون گذاری، تقدیم مجلس خواهد شد که در صورت گذشتن از تصویب، انتخاب تتمه وکلای آذربایجان برای همان دوره صورت خواهد گرفت.

هیئت نمایندگی آذربایجان نیز بخشی از نقطه نظرهای خود را در سی و سه بند تنظیم و به هیئت نمایندگی تهران ارائه دادند تا به نظر دولت به رسانند.

هیئت نمایندگی آذربایجان در تاریخی نهم اردیبهشت ۱۳۲۵ با هیئت نمایندگی دولت در تهران ملاقات کرد. یک روز بعد سپهر و مظفر فیروز خود را بعنوان نمایندگی تام الاختیار دولت مرکزی معرفی کردند. متن سی و سه ماده ای به نظر ایشان رسید. فردای همین روز پیشه وری با قوام السلطنه دوباره ملاقات کرد. در پی دو جلسه گفت و گوی قوام و پیشه وری متن ابلاغیه زیر را تهیه و به نمایندگان دولت قوام تسلیم کردند.

به دنبال صدور بیانیه حاکمی از حسن نیت قوام السلطنه، نمایندگان دولت مرکزی و هیئت نمایندگی آذربایجان پس از تبادل افکار به این نتیجه رسیدند که جنبش دمکراتیک آذربایجان نه به منظور تجزیه آذربایجان از ایران، بلکه با نیت و برنامه اعمال به اجرای قوانین مشروطیت در سراسر ایران صورت گرفته است. برای جلوگیری از هر گونه سوء تفاهم و برادر کشی اعلام کردند که اختلاف بین آذربایجان و ایران وجود ندارد. برای حل اختلافات جزئی هم مقرر شد هیئت آذربایجانی در تهران حضور داشته باشد. تا به نحوی کارها را سر و سامان دهد... به گونه ای که قوانین مشروطیت نقض نشود. و بویژه آزادی خلق آذربایجان لطمه ای نیبند...

اصول ۲۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی... اختیارات انجمن های ایالتی - ولایتی در آذربایجان به قرار زیرین تأیید و تصریح میشود.

۱- رؤسای ادارات کشاورزی، بازرگانی، صنعت، حمل و نقل منطقه، آموزش و پرورش، بهداشت، انتظامات، دادگستری و دادستانی و مدیر اداره دارایی توسط انجمنهای ایالتی و ولایتی انتخاب بر اساس مقررات، حکم رسمی آنها توسط دولت از تهران صادر میشود.

۲- والی با جلب نظر انجمن ایالتی توسط دولت برگزیده میشود. و انتصاب فرماندهان ژاندارمری و نیروهای انتظامی توسط دولت صورت میگیرد.

۳- زبان فارسی، مانند همه ایالات دیگر، در آذربایجان نیز زبان رسمی شمرده میشود. در ادارات محلی و دوایر دولتی فارسی و آذری (ترکی) صورت میگیرد، ولی در مدارس ابتدایی تا کلاس پنجم، آموزش به زبان آذربایجانی هم انجام خواهد شد.

۴- دولت، هنگام تخصیص عواید مالیاتی و تنظیم بودجه مملکتی، هزینه های آبادی شهرهای آذربایجان و بهبودی وضع بهداشت و آموزش این ایالت را در نظر خواهد گرفت.

۵- فعالیت سازمانهای دمکراتیک و اتحادیه ها در آذربایجان نیز مانند دیگر ایالات آزاد است.

۶- هیچ تضییق و پیگردی در مورد مردم و فعالان دمکراسی، به دلیل مشارکت آنان در جنبش دمکراتیک به عمل نخواهد آمد.

۷- موافقت میشود که تعداد نمایندگان آذربایجان به تناسب نفوس این ایالت افزایش یابد. پیشنهادهای لازم

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور...

اصل ماده پیشنهادی دولت تصویب می شود. هیئت نمایندگان آذربایجان به منظور حل مسالمت آمیز مسئله آذربایجان و استحکام بخشیدن به مبانی دمکراسی در ایران مذاکرات متعددی میان هیئت نمایندگان رسمی دولتی ایران و هیئت نمایندگی آذربایجان به عمل آمد. بعد مبادله افکار این نتیجه حاصل شد که جنبش دمکراتیک آذربایجان قصد تجزیه آذربایجان از ایران ندارد. بلکه به قصد جامعیت بخشیدن به قوانین مشروطیت و استحکام و مداومت این قوانین صورت پذیرفته است. نمایندگی رسمی دولت ایران و هیئت نمایندگان آذربایجان در مورد موادی که ذیلا درج می شود به توافق رسیدند. این توافق حاوی دوازده ماده است که بطور خلاصه درج می شود.

- ایالتی آذربایجان شامل دو استان سوم و چهارم و محال خمسه می باشد. من بعد... اصطلاح مجلس ملی، شورای ایالتی هیئت وزیران هیئت مدیران و رؤسای ادارت محلی نامیده خواهد شد.

- والی آذربایجان از طرف شورای ایالتی پیشنهاد و حکم انتصاب از طرف دولت صادر خواهد شد.

- رؤسای ادارات دولتی... توسط شورای ایالتی انتخاب و احکام رسمی توسط دولت صادر خواهد شد.

- نیروی مسلحی به نام «نیروی نگهبان» تشکیل خواهد شد که امنیت

در دیدار سوم قوام السلطنه و پیشه وری اختلاف نظری در مورد مسئله تقسیم اراضی بروز کرد. این امر باعث شد. تا دو روز در مذاکرات وقفه پدید آید. پس از دو روز دولت قوام السلطنه اصلاحاتی که می بایست در مذاکرات مد نظر قرار می گرفت در ابلاغیه که به شرح زیر تنظیم کرده بود توسط نمایندگان معتبر به هیئت آذربایجانی تسلیم کرد.

- شورای ایالتی آذربایجان به جای مجلس ملی آذربایجان.

- هیئت مدیره آذربایجان به جای هیئت وزیران آذربایجان.

- رؤسای دوایر آذربایجان به جای وزرای ملی آذربایجان.

- اصل ماده یک پیشنهاد دولت پذیرفته می شود...

- والی با پیشنهاد شورای ایالتی آذربایجان تعیین و با صدور حکم دولتی به استانداری بر گزیده خواهد شد. نیروهای مسلحی به نام نیروی نگهبان تشکیل می شود...

- اصل ماده پیشنهادی دولت تصویب می شود.

- ۷۵٪ مالیاتهای که بر اساس قوانین مملکتی وصول می شود با نظارت شورای ایالتی برای پرداخت حقوق کارکنان ادارات «نیروی نگهبان» به مصرف خواهد رسید.

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور...

لایحه زیرین را آماده... و به هیئت نمایندگی آذربایجان ارائه داد.

متن کامل این لایحه از نظر خوانندگان می گذرد.

اخیراً جنبش دمکراتیک که در آذربایجان به وقوع پیوسته، قصد داشته آزادی و مبنای دمکراسی را در سراسر ایران جامعیت بخشد. مذاکراتی بین دولت و نمایندگان آذربایجان به عمل آمد و نمایندگان آذربایجان ضمن پذیرفتن ابلاغیه ۷ ماده ای دولت، پس از تبادل اندیشه ها، توافق نظر حاصل شد. مواد زیرین که به عنوان تکمله ابلاغیه ۷ ماده ای دولت تدوین شده، پذیرفته و اجرا خواهد شد.

۱- نخستین ماده ابلاغیه با تغییر دادن «ناظر مالی» به «رئیس مالیه» و افزوده شدن عبارت «رئیس امور اقتصادی و بازرگانی» به آن، کلا پذیرفته می شود.

۲- والی آذربایجان با پیشنهاد انجمن ایالتی آذربایجان و تصویب دولت تعیین و برگزیده خواهد شد.

۳- دولت، تشکیلاتی را که در نتیجه تحولات اخیر آذربایجان و تحت عنوان «مجلس ملی آذربایجان» وجود آمده، به عنوان انجمن ایالتی آذربایجان می شناسد و پس از تشکیل مجلس پانزدهم و تصویب قوانین نوین انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی، به پیشنهاد دولت، انتخابات انجمن های ایالتی - ولایتی بر اساس قانون جدید در اسرع وقت برگزار خواهد شد.

۴- برای به اجرا در آوردن تصمیم های انجمن ایالتی، فراهم کردن امکان روند بهینه امور و به

راه ها تأمین و به نیروهای اجرایی یاری کند...

- آموزش در مدارس ابتدایی به زبان آذربایجانی و در مدارس متوسطه به دو زبان آذربایجانی و فارسی صورت خواهد گرفت. کارهای دفتری در ادارات محلی و ثبت مکاتبات و احکام دادگاه ها به دو زبان فارسی و آذربایجانی انجام خواهد گرفت.

- کلی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی ملی و ارضی در آذربایجان... به رسمیت شناخته می شود.

- موافقت می شود که تعداد نمایندگان آذربایجان به تناسب نفوس این ایالت افزایش یابد...

- دولت متعهد می شود که در قوانین انتخابات مجلس شورای ملی تجدید نظر کند...

- این قرار داد پس از تصویب دولت ایران و مجلس ملی آذربایجان رسمیت خواهد یافت.

- مفاد این موافقتنامه شامل کردستان آذربایجان نیز می شود.

- این پیشنهاد بعنوان مبنای مذاکرات بعدی منظور شد. بطور کلی میتوان گفت پس از چهارمین دوره مذاکرات بین پیشه وری و قوام السلطنه توافق نظر حاصل شد. و مقرر گردید که لایحه جدیدی توسط مظفر فیروز... تنظیم و آماده شود. مظفر فیروز ل

۸- احداث و مرمت راه های شوسه اصلی به عهده دولت است و راه های فرعی به عهده انجمن ایالتی است.

۹- نیروهای داوطلب نظامی متشکل به نام «فدایی» که از نیروهای نظام وظیفه شناخته شده مجزا است، به نیروی انتظامی روستایی تبدیل می شود. فرمانده این نیروها به پیشنهاد انجمن ایالتی آذربایجان و با تصویب دولت مرکزی انتخاب خواهد شد.

۱۰- دولت اصولاً با تقسیم اراضی خالصه دولتی که پس از جنبش دمکراتیک در آذربایجان صورت گرفته، موافق است و تعهد می نماید که در اولین فرصت لایحه تقسیم این نوع اراضی را جهت تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند و تقسیم اراضی خالصه دولتی را میان روستاییان در دیگر نقاط ایران نیز در آن لایحه پیش بینی نماید. برای جلب رضایت مالکان اراضی دیگری که در نتیجه نهضت دمکراتیک در آذربایجان، املاک آن ها عملاً و بلاعوض میان روستاییان تقسیم و به کشتکاران واگذار شده، پیشنهاد ترتیب جای گزین کردن این اراضی و اراضی مشابه آن، به مجلس ارائه خواهد شد.

۱۱- به موجب ماده سوم ابلاغیه دولت، مقرر می شود که زبان رسمی و دولتی در آذربایجان، زبان فارسی است. کارهای دفتری ادارات و دادگستری و محاکمات دادرسی به زبان فارسی دولتی و زبان آذربایجانی صورت خواهد گرفت. آموزش تا کلاس پنجم ابتدایی به زبان آذربایجانی خواهد بود و موافقت شد که در کلاس های بالاتر از پنجم ابتدایی، آموزش

خصوص نظارت بر صحت هزینه شدن ۷۵٪ مالیات های وصولی، شورای ایالتی مرکب از رؤسای ادارات و هیئت رئیسه انجمن ایالتی تشکیل خواهد یافت.

۵- موافقت شد که کمیسیونی مرکب از اعضای دولت آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی آذربایجان تشکیل یابد تا به مشخص شدن تکلیف افرادی که به عنوان نیروهای آذربایجان توسط جنبش آذربایجان به نظام وظیفه فرا خوانده شده اند، رسیدگی کند و راه حلی برای تصویب چگونگی آینده آن ها ارائه دهد و این تصمیم را به دولت مرکزی و انجمن ایالتی پیشنهاد کند.

۶- در مورد وضع و چگونگی تأمین مالی آذربایجان، موافقت به عمل آمد که ۷۵٪ درآمدهای ایالتی به هزینه های محلی اختصاص یابد و ۲۵٪ بقیه، برای اختصاص دادن به هزینه های عمومی ایران به مرکز تحویل گردد.

تبصره: درآمدها و هزینه های راه آهن، پست و تلگراف و کشتیرانی دریاچه ارومیه از این موافقت مستثنی هستند و درآمدها و هزینه های آن ها به عهده و منحصر به دولت است. توضیح این که، مخابرات و تلگراف های انجمن های ایالتی و ولایتی و دوایر دولتی در آذربایجان رایگان خواهد شد.

۷- دولت تعهد می نماید که رساندن راه آهن تهران - تبریز را از میانه به تبریز در سال جاری به اتمام برساند. این اقدام در حداقل زمان ممکن اجرا خواهد شد. روشن است که در انجام این طرح، کارگران و متخصصان آذربایجانی بر دیگران حق تقدم دارند.

با موفقیت اجرا نمود. و این روند تا خرداد ۱۳۲۵ ادامه یافت. در عرض این مدت شش ماهه آنچنان تغییراتی در سیاست جهانی رخ داد که پیشه‌وری مجبور شد، گام بزرگی به عقب بردارد. و مذاکره با تهران را پذیرا شود. قرارداد پانزده ماده‌ای پیشنهادی تهران را امضا کند.

فرقه دمکرات آذربایجان با پیش گرفتن این سیاست نشان داد که به تحولات بین‌المللی پایبند است. زیرا آنچه که در آذربایجان رخ داده است با منشور آتلانتیک و اسناد سازمان ملل متحد مطابقت کامل دارد. طبق قرارداد پانزده ماده‌ای تهران خودمختاری مدنی در آذربایجان را پذیرفت. آذربایجان از طریق انجمن‌های ایالتی و ولایتی اداره می‌شود. آذربایجان همه تعهدات خود را اجرا نمود. دکتر جاوید وزیر کشور حکومت ملی آذربایجان به استانداری آذربایجان منصوب گردید. مجلس ملی آذربایجان به انجمن ایالتی آذربایجان تبدیل شد. پیشه‌وری هیچ مسئولیت دولتی را نپذیرفت. تنها به صدارت کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان اکتفا نمود. ارتش ملی و فدائیان آذربایجان کماکان امنیت داخلی و مرزهای آذربایجان خود مختار را پاسداری می‌کردند. بدین طریق شکل اداره آذربایجان تغییر پیدا کرد. اما محتوای دست آوردهای نهضت ۲۱ آذر همچنان باقی ماند. چند ماه بعد از امضای قرارداد پانزده ماده‌ای زد و خورد، میان نیروهای دولتی و پیشمرگهای کردستان دمکراتیک و فدائیان آذربایجان با شدت ادامه یافت. و بالاخره دولت قوام السلطنه با پیمودن راه‌های پر پیچ و خم «مسالمت آمیز» هدف نهائی خود را آشکار

مطابق روال وزارت معارف به زبان‌های آذربایجانی و فارسی صورت گیرد.

۱۲- دولت متعهد می‌شود که هنگام گشایش مجلس پانزدهم، لایحه قوانین انتخابات را که در آن اصول آزادی و دمکراسی، یعنی عمومی، مخفی، مستقیم و متساوی برای زن و مرد گنجانده خواهد شد، تقدیم مجلس شورای ملی کند و تصویب فوری آن را در خواست نماید.

۱۳- دولت موظف است که قانون انتخابات انجمن‌های شهری را مبتنی بر بنیان‌های دمکراتیک (عمومی، مخفی، متناسب، مستقل و برابر حقوق برای زن و مرد) که بتواند استقلال کلیه انجمن‌های شهر را تأمین کند، در اسرع وقت تقدیم مجلس شورای ملی کند. انجمن‌های شهری آذربایجان تا تصویب این لایحه ابقا خواهد شد.

۱۴- به موجب ماده ۱۱ این موافقت‌نامه، اقلیت‌های ملی ساکن آذربایجان، شامل کردها، ارمنی‌ها و آشوری‌ها، تا کلاس پنجم ابتدایی به زبان مادری خود آموزش خواهند دید.

۱۵- ایالت آذربایجان، استان‌های سوم و چهارم و ولایت خمسه را شامل می‌شود.

۱۶- اجرای مفاد این موافقت‌نامه به پس از تصویب آن توسط هیئت دولت آقای قوام السلطنه و مجلس ملی آذربایجان - که پس از تصویب این موافقت‌نامه، به موجب ماده دوم، انجمن ایالتی نامیده خواهد شد - موکول می‌شود. آنچه در بالا با استناد به اسناد و مدارک گفته شد، نشان می‌دهد که حکومت ملی آذربایجان با تمام قدرت برنامه خود را

به مناسبت سال روز بیانیه ۱۲ شهریور...

«در ماده ای پنج تصویب نامه دولت گفته می شود. فعالیت سازمانهای دمکراتیک و اتحادیه ها در آذربایجان نیز مانند دیگر ایالات آزاد است.»

در ماده ای شش همین تصویب نامه تصریح می شود «هیچ تضییق و پیگردی در مورد مردم و فعالان دمکراسی، به دلیل مشارکت آنان در جنبش دمکراتیک پیشین به عمل نخواهد آمد.»

از این فاجعه تاریخی سالها گذشته است. رژیم حاکم که دشمن مردم واز آن جمله دشمن مردم آذربایجان بود سرگون گردید. جای این حکومت فاسد را حکومت جدیدی گرفت. اما هیچ تغییر در راستای استقرار آزادی در ایران و قبول حق تعیین مردم غیر فارس انجام نگرفت. این معنا نیست که مردم خواسته های قانونی خود دست برداشته اند همه مردم ایران برای بدست آوردن حقوق حقه خود، مبارزه می کنند. این مبارزه، مبارزه مرگ و زندگی است.

ساخت و اعلام نمود که بزودی انتخابات دوره پانزدهم مجلس آغاز خواهد شد. قوام با حيله گری مرسوم در دستگاه دولتی، اعزام نیرو برای نظارت در انتخابات (نه برای سرکوب مردم آذربایجان) را به اجرا در آورد و ارتش را به سوی آذربایجان فرستاد. اول زنگان اشغال شد و چند ماه بعد ارتش سراسر آذربایجان را اشغال نمود. دولت تهران تمام تعهدات خود را که در تصویب نامه هفت ماده ای دولت از جمله مواد پنج و شش این تصویب نامه و قرارداد شانزده ماده ای تهران و تبریز گنجانده شده بود زیر پا گذاشت. کشت و کشتار در زنگان و در قسمت های دیگر آذربایجان آغاز گردید.

سیاست مداران ارتجاع حاکم بر ایران همیشه با روبرو شدن با مشکلات لاینحل به حيله شرعی دست می زنند. قرآن را مهر می کنند و به طرف مقابل می دهند. بعد از تسلیم شدن طرف مقابل، تعهد را کنار می گذارند. و گردن دشمن خود را زیر شمشیر قرار می دهند. این حيله گری سنتی توسط قوام السلطنه در آذربایجان بکار گرفته شد.

پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

نیبود، چرا که "ترومن" و همفکرانش راه حل کمک به مصدق را به منظور جلوگیری از نفوذ کمونیست در ایران، در قالب دکترین «سد نفوذ» پیشنهاد می کردند. اما در پی تحویل مقام ریاست جمهوری از "ترومن" به آیزنهاور"، این استراتژی جای خود را به راهبرد امنیتی خصمانه و تهاجمی جدید به نام «انتقام گسترده» داد.

آمریکا تا دهه ۱۳۲۰ سابقه استعماری در ایران نداشت. همین مسئله دکتر مصدق را به اشتباه واداشته بود. ورود

به همین منظور با عنوان کردن خطر کمونیسم سعی در متقاعد کردن آمریکا نمودند. در این رابطه "ریچارد کاتم" می نویسد: «احساس من در آن موقع این بود و هنوز هم هست که انگلیس از میزان ترس بیمارگونه آمریکاییان از کمونیسم آگاه بود... انگلیسی ها زیرکانه از این ترس برای ترغیب ما به درگیر کردن در کودتا سوء استفاده کردند.»

مذاکرات انگلیس و آمریکا تا زمان "ترومن" نتیجه بخش

پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

استعماری آمریکا با انجام کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحت عنوان عملیات "آژاکس" آغاز شد، که مسبب خسارات جبران ناپذیری به کشورمان گردید و سر منشاء بسیاری از حوادث تلخ تاریخی این سرزمین شد.

بدین ترتیب، درحالی که هدف انگلیس از راه اندازی کودتا و حرکت ضد ملی، برگشت به شرایط گذشته و دستیابی دوباره به منافع سرشار نفتی بود، دغدغه های آمریکا در قبال ایران، نگرانی از خطر کمونیست و خارج شدن ذخایر نفتی ایران از دست جهان امپریالیستی بود. در واقع می توان نتیجه گرفت که، در وهله اول تدارک کودتای ۲۸ مرداد، تدارک یک جنگ تمام عیار طبقاتی بود.

شبکه "بدامن" یکی از نخستین پروژه هایی بود که سازمان سیا و اینتلجنس سرویس بر مبنای اطلاعات وسیعی که بخش MI6 اینتلجنس سرویس از منطقه داشت و سرمایه گذاری کلان سازمان سیا در ایران اجرایی شد. مسئولیت این شبکه به عهده شاپور ریپورتر سپرده شد. در تیم عملیات از طرف انگلیس، "دکتر زنر" و خانم "لمیتون" ماموران سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا اعزام شده بودند. وظایف این افراد عملیات انتشاراتی و دروغ پراکنی بود. در تیم سازمان جاسوسی آمریکا، "ریچارد کاتم" متخصص جنگ روانی و جعل مدارک سیاسی شرکت داشت.

عملیات بدامن بر دوماحور متمرکز بود:

- عملیات نفوذی - سیاسی

- عملیات تبلیغی - فرهنگی

در بخش عملیات نفوذی - سیاسی این شبکه، "شاپور ریپورتر" وظیفه جعلیات بر محور بزرگ نمایی

خطر کمونیسم، بیشتر به منظور تحریک روحانیان ساده اندیش و غیر سیاسی و توده مردم علیه وضع موجود و جلب همدردی آنان با محمد رضا شاه به عنوان ناجی کشور از خطر کمونیسم بود.

دومین پروژه مشترک بدامن عملیات تبلیغی - فرهنگی بود که گروه وسیعی از نویسندگان و روزنامه نگاران و روشنفکران و دهها روزنامه و نشریه را در خدمت داشت. از قلم به مزدان این شبکه می توان از نصرت الله معینیان، دکتر مظفر بقایی کرمانی و علی جواهر کلام نام برد.

مارک گازبیوروسکی در رابطه با شبکه "بدامن" چنین مینویسد:

« بدامن، یک برنامه تبلیغاتی و سیاسی بود که از طریق شبکه ای به سرپرستی دو ایرانی با نام های رمز "نرن" و "سیلی" اداره می شد و ظاهراً بودجه سالانه ای معادل یک میلیون دلار داشت. در بخش تبلیغات "بدامن" مقالات و کاریکاتورهای ضد کمونیستی تهیه و در اختیار جراید ایران می گذاشت. همچنین پخش کتب و نشریاتی در انتقاد از اتحاد جماهیر شوروی و حزب توده ایران و شایعه پراکنی و غیره انجام می داد. بخش عملیات که باصطلاح "سیاه" نام داشت، در جهت رو گردانی ایرانیان از حزب توده ایران، وسیله گروه های مزدور خیابانی، برای درهم ریختن تظاهرات توده ای ها و کمک مالی به سازمان های راست گرای ضد کمونیست، مانند احزاب "سومکا" و "پان ایرانیست" که پیوسته در خیابان های تهران با دستجات توده ای زد و خورد می کردند، رهبری می شد.»

ساماندهی می شدند. افسران سلطنت طلب از طریق « کمیته نجات وطن » که سرلشکر زاهدی رهبر آن بود، به همراهی " کرمیت روزولت " (فرمانده آمریکایی کودتا) افسرانی که دارای پست های حساس نظامی بودند جذب کرده و برای اجرای طرح کودتا آنان را با خود همگام کردند. به همین جهت پس از پیروزی کودتا، پست های حساس و مهمی به این گروه واگذار و یک درجه ترفیع گرفتند.

از دیگر عوامل اجرایی کودتا ارادل اوباش و چماقدارانی بودند که با پول و تحریک شبکه های خارجی و هواداران سلطنت و گروهی از روحانیون، به گونه ای سازماندهی شده، به طرفداری از شاه در سطحی گسترده به راه افتادند. برای رهبری اوباش، شعبان جعفری معروف به " شعبان بی مخ " که بدلیل خطاهای متعدّدش به زندان افتاده بود، ساعاتی قبل از شروع کودتا با همکاری ماموران شهرداری و فرمانداری نظامی، درحالیکه، چندین ماشین از اوباش و چماقداران جلو ساختمان شهرداری منتظرش بودند، از زندان آزاد شد. بعد ها شعبان جعفری از طرف شاه مورد تقدیر قرار گرفت.

در اسناد سازمان سیا، در بخشی از طرح کودتا، از مطبوعات و تبلیغات با عنوان « عوامل ویژه » یاد می شود. کشور های آمریکا و انگلیس با نفوذ عوامل داخلی خود در شبکه مطبوعاتی دست به تبلیغات گسترده ای علیه دکتر مصدق و حزب توده ایران زدند. مطبوعات حامی کودتا با استفاده از ترفندهای گوناگون نظیر چاپ کاریکاتور و تمسخر ایده های حزب توده ایران و دکتر مصدق و اخبار جعلی نسبت به توافق پنهانی مصدق و حزب توده ایران و اتحاد شوروی، پوشش گسترده فرمانهای شاه مبنی بر عزل دکتر مصدق و انتصاب

در اسناد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) که سالها بعد منتشر شد، به گوشه ای از چگونگی سازماندهی کودتا اشاره شده است:

... در زمان کودتا دست کم صد تن از رهبران حزب (توده ایران) و گروهها و روزنامه نگاران می باید دستگیر شوند. نام این افراد از فهرست تقریباً هشتاد نفره ای از رهبرانیکه به تازگی به وسیله بریتانیا تهیه شده، به اضافه نام هاییکه پایگاه ایالات متحده و همچنین آن چه زاهدی به آن خواهد افزود، فراهم خواهد آمد. کنترل خیابان های تهران، امکان اجتماع را از توده و یا دیگر گروهها خواهد گرفت. توزیع گسترده جزوات سیاه که انتشار آن به کمیته مرکزی حزب نسبت داده خواهد شد، با این انگیزه انجام می شود تا اعضای حزب توده (ایران) را سر در گم کند و جلوی گرد همایی آنان را به روشی موثر بگیرد. ممکن است برای ایالات متحده میسر باشد تا از هوا و از پیش مقادیری گاز اشک آور و جوهر پاک نشدنی یا دیگر مواد مناسب برای کنترل گروهها فراهم کند. هواپیماهای نیروی هوایی محلی ممکن است جهت آگاهی مردم، اخطار نامه هایی را فرو ریزند مبنی بر اینکه، یا در خیابان ها حضور نیابند و یا منتظر عواقب کار خود باشند... در بخش دیگری از این اسناد تاکید شده است:

هر دو دولت مسئله نفت را در درجه دوم اهمیت قرار میدهند. مسئله اصلی حفظ استقلال (!) ایران و مصون داشتن از فرو افتادن در مدار شوروی است. برای این امر مصدق باید کنار برود...

تکیه گاه نیروهای کودتاگر عمدتاً بر گروه های اجتماعی زیر خلاصه می شد:

بخش ارتجاعی ارتش بازوی اجرایی کودتا بود. « کانون افسران باز نشسته » به رهبری " فضل الله زاهدی "

ایران، بلکه برای منطقه خاورمیانه فراهم کند. اما کودتای ۲۸ مرداد نه تنها این فضا را به هم ریخت، بلکه کشور را به محاق دورانی تاریک و فضایی فرو برد که

حاکمان بر آمده از کودتا راهی جز سرسپردگی به غرب به ویژه امپریالیسم تازه نفس و قدرتمند آمریکا نداشتند. آزادی های ابتدایی مردم صلب شد. فضای خفقان بر کشور مستولی و زندانها پرشد از انسان هایی که خواهان آزادی بودند. تشکل های کارگری، دهقانی و ... سرکوب و هرگز اجازه نیافتند فعالیت خود را مستقلانه احیاءکنند. اقوام ایرانی به خاطر خواسته های ملی خود سرکوب و هر گونه تحرک از آنها گرفته شد. اقتصاد کشور محل جولانگاه شرکت های فراملی از جمله شرکت های آمریکایی قرار گرفت. حضور چهل هزار مستشار آمریکایی سرنوشت سیاست و اقتصاد را در دست داشتند. مرزهای کشور در اختیار آمریکا قرار گرفت تا علیه کشورهای همسایه از جمله اتحاد جماهیر شوروی شب و روز جاسوسی کنند. نیروهای نظامی کشور به جای دفاع از مرزهای کشور به فرمان آمریکا مجبور بودند به سرکوب خلق هایی به روند که خواهان آزادی و استقلال کشورشان بودند و...

این بود اشاره ای گذرا به پیامدهای مخرب کودتای

خونین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲

زاهدی و... نقش موثری را در ایجاد فضای مناسب برای اجرای کودتا ایفا کردند.

خطای دکتر مصدق این بود که، به جای مبارزه با فضای مسموم ایجاد شده کودتا گران، راه باصطلاح گزک ندادن به دست عوامل کودتا را پیش گرفت. روز قبل از کودتا بسیاری از افسران و نیروهای نظامی که می توانستند بر ضد کودتا اقدام کنند، را دستگیر کرد. نه تنها به هشدار های حزب توده ایران در باره وقوع کودتا توجه نکرد، بلکه با صراحت خواست که در این امور دخالت نکنند. این درست همان کاری بود که عوامل کودتا از مدت ها قبل با تبلیغات گسترده خود، دنبال آن بودند. زمانی به خود آمد که دیگر کار از کار گذشته بود.

در هر حال کودتاگران موفق شدند، دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون و شاه را به کشور بر گردانند. مصدق دستگیر و به ۳ سال زندان محکوم شد. پس از زندان او رابه روستای احمد آباد کرج تبعید کردند و تا آخر عمر تحت نظر قرار گرفت. حزب توده ایران، تشکل های صنفی و فرهنگی و اجتماعی زیر ضرب قرار گرفتند. هزاران انسان وطن پرست و از آن جمله افسران راهی زندان و به جرم دفاع از آزادی زیر شکنجه قرار گرفتند. گروه گروه از توده ای ها از آن جمله افسران به جوخه های اعدام سپرده شدند. عده ای از آنها که تحت فشار افکار عمومی از اعدام نجات پیدا کرده بودند تا آستانه انقلاب بهمن، یعنی ۲۵ سال زندان را تحمل کردند.

فضای نسبتاً بازی که پس از بیرون رفتن رضا شاه، در کشور ایجاد شده بود. تحت شرایط جهانی می توانست تحول عمیق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، نه تنها برای

سایه سنگین بحران

«مرده را بگذار تا مردگان بر دارند»

عیسی مسیح

به سقوط شدید درآمدهای دولت انجامید. کساد اقتصادی ادامه پیدا کرد. میزان مالیات‌های جمع‌آوری شده توسط دولت را کاهش داد. مخارج دولت را در زمینه‌های مانند تمديد حق بيكاري، بن مواد خوراكي و غيره افزایش داد.

عامل دوم کاهش مالیات‌ها در دوران حکومت بوش... بود این مسئله باعث شد که در آمد دولت از محل مالیات‌ها کم شود.

عامل سوم جنگ‌های امپراتوری آمریکا به قصد تسخیر افغانستان و عراق بود که کسری بودجه را به اوج رساند. اشغال نظامی افغانستان ... ماهانه حدود دو میلیارد دلار هزینه بر می‌دارد. هزینه نظامی در بودجه ۲۰۱۲، ۷۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. اما این رقم دور از واقعیت است. رقم واقعی در حدود ۱، ۲ تریلیون دلار را یا حدود ۴۰٪ بودجه دولت را تشکیل میدهد.

کسری بودجه دولت فدرال در حال حاضر حدود ۹ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی است... که حدود سه برابر متوسط کسری بودجه طی ۳۰ سال اخیر است.

سفت کردن کمربندها و فداکاری به شعار روز تبدیل شده است. این شعار زمانی مطرح می‌شود که نزدیک به یک ششم کارگران بیکار شده‌اند و یا نیمه بیکارند. اخیراً نتیجه تحقیق در مورد ثروتهای خانوارهای آمریکائی منتشر شده است. ثروت شامل مسکن، خودرو، پس انداز و غيره می‌شود. با سفت کردن کمربندها شدیدترین ضربه را سیاه پوستان و سایر رنگین پوستان خورده‌اند. در این مدت ثروت خانوارهای رنگین پوستان ۶۶٪ کاهش یافته است. این رقم در مورد

نظام اجتماعی مانند هر ارگانیزم زنده رشد می‌کند و به شکوفائی می‌رسد و در روند رشد، به مرحله رکود و از کار افتادگی می‌رسد. و در نهایت کهنه شده و از صحنه خارج می‌شود و جای خود را به نظامی جدید می‌دهد که حق ادامه زندگی داشته باشد. نظام سرمایه داری در طول چهار صد سال این راه تجربه شده را پیموده، رشد کرده به مرحله شکوفائی رسیده و به تدریج حق حیات را از دست داده و اکنون در حال احتضار است.

بحران عمیق مالی و اقتصادی ۲۰۰۸ از آمریکا آغاز شد. و طولی نکشید سراسر جهان سرمایه داری را در بر گرفت. جامعه سرمایه داری بویژه سرمایه داری آمریکا متکی به وام است. در معاملات، پول نقد حضور ندارد. شهروندان برای خرید مسکن از بانک وام میگیرند. برای مدت طولانی وام را با اقساط چند در صدی باز پرداخت میکنند. بدین طریق زندگی در نظام سرمایه داری را سیستم وام تشکیل میدهد. دولت‌ها به خصوص دولت آمریکا چرخ اداره کشور را با گرفتن وام می‌چرخاند. بحران اخیر سالهای ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ هنوز پایان نیافته بود، بحران جدید گریبان گیر آمریکا شد. دولت آمریکا برای پرداخت وام با مشکلات حل نشدنی روبرو شد. امکان باز پرداخت این وام‌ها (۱۴ تریلیون دلار) غیر ممکن شد و کشور ثروتمند آمریکا را در آستانه ورشکستگی قرار داد.

چه عاملی سبب شد که آمریکا با بحران کنونی روبرو گردد. عامل اول پائین آمدن شدید سطح اقتصادی در سالهای هشتاد و نود است. کند شدن فعالیت اقتصادی

سایه سنگین بحران...

هفته پیش وال استریت ژورنال، مقاله ای را منتشر کرد که بعضی از جوانب این حمله آید نولوژیک در آن متبلور شده بود. نیروهای محافظه کار از زبان این مقاله به خوانندگان می گفتند که مشکل فقط اوپاما نیست. مشکل به فرانکلین روزولت و به اصطلاح «فرهنگ گداپرووری» و «طرفداری از تقسیم مجدد ثروت» بر میگردد.

مقاله چنین استدلال میکرد که اینک زمان تسویه حساب با این گرایش فرا رسیده است. جریان تی پارتی شمشیر نفرت عوام الناس از «دخالت‌های دولت» را تیز میکنند.

ما با اوضاعی مواجهیم که طبقه حاکمه آمریکا در عالی ترین سطوح خود دچار تفرقه شدید شده است. این را تقریباً می توانید بشکل صف بندی دمکراتها و جمهورخواهان به بینید. بخشی از طبقه حاکمه که کم و بیش با جمهوری خواهان هم خوان است. در سمت و سوی موضع تعرض قرار گرفته و جامعه را بیش از پیش به فاشیزم میبرد... بحران واقعی با حمله ایدیولوژیک در هم می آمیزد.

ما با یک بحران اقتصادی جهانی روبرویم که پس زمینه گسترده تر همه این اتفاقات است. سرمایه با فشارهای واقعی روبرو است که آن را بسوی کاهش هزینه ها و تشویق رقابت جوئی، هل میدهد. بر سر راه هزینه های گسترده دولتی محدودیت های واقعی قرار دارد. این به «قوانین بازی» سرمایه داری مربوط می شود. ما با نظامی روبرویم که تولید سود را برپایه استثمار کار مزد جلو میبرد. این نظام انباشت رقابت جویانه است که

خانوارهای سیاه پوستان ۵۳ درصد است. یک سوم خانوارهای رنگین پوستان و سیاه پوستان هیچ ثروتی ندارند. میلیونها نفر بسوی وام هائی کشانده شده که ظاهراً توان باز پرداختش را داشتند. اما میلیونها نفر از باز پرداخت به موقع این وام ها ناتوان ماندند. وام های مسکن، پس انداز و درآمدهای آتی میلیونها نفر را فرو بلعید. سپس همه چیز فرو می ریزد. میلیونها خانه تخلیه شده است. چرا که برای بانکها اعمال حقوق مالیات شان مهم تر از این است که مردم سر پناه داشته باشند.

۲۵ میلیون نفر در ماه گذشته جویای کار بودند. ده میلیون خانوار با خطر ضبط اموال مواجهند. نا برابری در آمد خانوارهای سفید پوستان با خانوارهای سیاه پوست و رنگین پوست. به بالاترین سطح طی دهه های اخیر رسیده است. حالا از مردم می خواهند فداکاری کنند تا نظامی را نجات دهند، که زندگی شان را نابود کرده است. نظامی را نجات دهند که باعث نا برابری اجتماعی است.

این چه نظامی است که زندگی انسانها را زیر ساطور برنامه ریاضت کشی مالی می فرستد؟ این چیزی جز منطق سرمایه نیست. این نظام نمی تواند به نفع مردم عمل کند. نمی تواند چرا که حاکمیت سود را بالاتر از همه چیز قرار داده است.

مخالفت آنها (جمهوری خواهان) با «دولت بزرگ» یک مخالفت ایدیولوژیک است. حمله آنها در واقع به ایده ای است که مسئولیت رفاه مردم را بدوش جامعه می گذارد. بی رحمی در آنها نهادینه شده است. می گویند: اگر بیکارید، تقصیر خودتان است. خدمات درمانی وجود ندارد که ندارد. این دیگر مشکل شما است.

پول کلیدی دنیا تبدیل شود. اما جایگاه دلار آمریکا دارد تحلیل می‌رود و با تهدیدات رقابت جویانه جدید روبرو می‌شود. همه اینها میدان مانور امپریالیسم آمریکا را کوچک تر می‌کند و بر سیاست‌گذاریها و مجادلات درونی طبقه حاکم تأثیر می‌گذارد. آنچه بشکل یک بحران بانکی شروع شد حالا به یک بحران دراز مدت قروض دولتی تغییر شکل داده است. اقتصاد جهان کماکان با دردهای عمیق روبرو است. امپریالیستهای آمریکای با یک تضاد مهم مواجه اند.

آنها بر قرضه‌های عظیم و فزاینده متکی شده‌اند. اقتصاد کشور رشد ندارد. در طول تاریخ دیده‌ایم که یکی از راههای حل این مشکل افزایش هزینه‌های دولتی است، با این هدف که اقتصاد تحریک شود. اما نتیجه این کار کسری بودجه بزرگتر و قروض دولتی بیشتر خواهد بود.

حزب کمونیست انقلابی آمریکا اخیراً قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی نوین در آمریکای شمالی را به صورت یک پیش نویس پیشنهادی منتشر کرده است. این قانون اساسی تصویر الهام بخش ارائه می‌کند و تدابیر معین را برای ساختن جامعه نوین جلو می‌گذارد. این یک جامعه سوسیالیستی است. این یک نظام اقتصادی است که به استثمار و سود متکی نیست. بلکه به نیازها پاسخ می‌دهد، بر نا برابریهای بزرگ اجتماعی غلبه می‌کند، از کره زمین حفاظت می‌کند، و به پیشرفت انقلاب جهانی خدمت می‌کند. این جامعه ای است که هدف نهایی اش جهان کمونیستی است. جهانی که در آن انسانها در همه جا فارغ از استثمار و ستم زندگی خواهند کرد و در آن در گیریهای خصمانه و نابودگر وجود نخواهد داشت.

اکنون سرمایه داری در حال مرگ است « مرده را نیز

باید تا مردگان، یعنی سرمایه داران بر دارند »

تلخیص از نشریه انقلاب آمریکا

قدرتهای بزرگ در آن به دنبال دست بالا پیدا کردن و سلطه بر جولانگاه جهانی هستند.

واقعیت این است که اقتصاد جهانی از بحران مالی و سرانجام رکود سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بیرون نیامده است. فشارهای رقابت جویانه شدید در اقتصاد جهانی وجود دارد. می‌پرسند چرا برای فائق آمدن بر معضل کسریها، بر مالیات بنگاهها نمی‌افزایند. مالیات گرفتن از بنگاههای بزرگ سرمایه داری....

در بحبویه بحران میتواند رشد اقتصادی را مختل کند. چرا که با این کار آنها پایگاه و امتیازات رقابتی خود را در نبرد جهانی بر سر بازار و فن آوریهای جدید و باز خرید بنگاههای دیگر از دست خواهند داد.

اما مسائل دیگر هم وجود دارد. اقتصاد جهانی در حال گذار است. صف آرائی جدید در این اقتصاد در حال شکل گیری است.

همین موقع که شلاق بحران مالی اقتصاد فرود می‌آمد، چین داشت به مثابه دومین اقتصاد دنیا سر بلند میکرد. طولی نخواهد کشید که چین جای آمریکا را بگیرد. و بزرگترین تولید کننده جهان شود. در حال حاضر بیشترین قروض دولتی آمریکا متعلق به چین است. درآمدهای صادرات چین بر کار فوق استثمار شده در مناطق گسترده صنعتی متکی است.

در بازارهای مالی آمریکا باز یافت میشود. چین در حال حاضر بیش از پیش در اقتصاد جهانی اعمال نفوذ می‌کند. اگر چین و سایر قدرتهایی که خزانه داری آمریکا وام دار آنها است. احساس بی ثباتی کنند و در صدد تغییر ذخایر ارز خود از دلار به ارزهای دیگر بر آیند و ابزارهای سرمایه گذاری دلاری خود را عوض کنند، این کار فشارهای عظیم بر دلار خواهد گذاشت. این می‌تواند ناگهان همه را از دلار فراری دهد... در این گره گاه هیچ ارز دیگری نمی‌تواند مثل دلار به

قیام مردمی در انگلستان

خود متمرکز کرده بود. گرچه بعد از جنگ دوم جهانی مستعمرات از دست انگلستان خارج شد، اما نفوذ اقتصادی آن در مستعمرات سابق همچنان باقی ماند.

تضییع ساختار اقتصادی کشورهای اروپائی شرایطی را بوجود آورد که بحران اقتصادی و مالی این کشورها را فرا گرفت. این بحران عمیق چند سال است گریبان گیری کشورهای غرب از جمله آمریکا را فرا گرفته است. انگلستان در این بحران حلقه ضعیف کشورهای غربی را تشکیل میدهد. مالیات های بزرگ بر دوش مردم سنگینی میکنند. تدریس در دانشگاهها سه برابر شده است. دانشجویان انگلیس علیه این سیاست به تظاهرات وسیع دست زدند. تظاهرات عظیم کنونی پایه های سیاسی طبقات حاکمه را متزلزل نمود. گرچه دولت با توسل به نیروی پلیس آرامش نسبی در خیابانها را برقرار نمود. اما این به این معنا نیست که مردم از خواسته های قانونی خود دست برداشته اند. تظاهرات ضد دولتی در اروپا و قیام های ضد دیکتاتوری در کشورهای عربی حلقه یک زنجیر است که طبقات حاکمه را زیر فشار قرار میدهد. دست رسی به آزادیهای سیاسی تأمین زندگی انسانی برای مردم این کشورها عمده ترین خواست مردمی است که خیابانها را پر میکنند برای دست یابی به خواسته های خود حتی از کشته شدن هراس به خود راه نمی دهند.

قیام مردم انگلیس نشان داد که مبارزه ضد سرمایه داری گسترش می یابد. این مبارزه تا برچیده شدن سیستم اجتماعی کنونی ادامه پیدا خواهد کرد.

مبارزه برای بهبود زندگی سراسر اروپا و خاورمیانه و شمال آفریقا را فرا گرفته است. فروپاشی اتحاد شوروی جهان سرمایه داری را به وجد آورد. دشمنان سوسیالیزم خیال می کردند که بعد از بر چیده شدن سوسیالیزم جهان یک پارچه اقتصادی در دست آنها متمرکز خواهد شد. اما طولی نکشید این پیش بینی جامه عمل به خود نپوشید. کشورهای که سوسیالیزم را کنار گذاشتند خود با بحران سیاسی و اقتصادی درگیر شدند. شوروی و یوگسلاوی تکه - تکه شد. بحران اقتصادی و سیاسی از مرزهای این کشورها فرا رفت. و اروپای غربی را به کام خود کشید. اغتشاش و قیام مردم در فرانسه گسترش یافت. بعد از فرانسه نوبت یونان، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا فرا رسید. بحران اقتصادی و بالا رفتن قروض دولتی مبارزه مردم برای حفظ دست آوردهای اقتصادی خود گسترش یافت. این مبارزه نه تنها به کشورهای عربی سرایت نمود بلکه مبارزه مردم در این کشورها را تشدید نمود.

انگلستان یکی از دژهای به اصطلاح شکست ناپذیر سرمایه داری جهانی نیز از بحران اقتصادی و سیاسی کنار نماند. مردم این کشور به پا خاستند. شهرهای بزرگ انگلستان در معرض تهاجم اعتراض کنندگان قرار گرفت. دولت محافظه کار انگلیس برای سرکوب اعتراض کنندگان بیش از ۱۶ هزار پلیس به خیابانها آورد. بیش از دو هزار اعتراض کننده دستگیر و روانه ای زندان شدند. هنوز هم مبارزه مردم پایان نه یافته است. نخست وزیر انگلیس برای در هم کوبیدن اعتراض کنندگان از آمریکا یاری طلبیده است. جالب است که انگلستان تا جنگ جهانی دوم یکی قدرتمندترین کشور اروپای بود که اکثریت کشورهای آسیائی از جمله قسمتی از کشورهای آفریقائی را بعنوان مستعمرات در دست

«ماخواهان سعادت برای خلق آذربایجان و رهائی از سفالت و فلاکت برای ایران هستیم».

شیخ محمد خیابانی

به مناسبت نود و سومین سلروز شهادت یکی از برجسته ترین رهبران نهضت آزادی در آذربایجان شیخ محمد

خیابانی.

حاجی محمد علی بادامچی در کتاب خود تحت عنوان «شرح حال شیخ محمد خیابانی» که در سال 1304 در برلین به چاپ رسانده می نویسد: شیخ در حالیکه شب و روز تفنگ در دوش با دشمن می جنگید، یکی از شخصیت های مهم انجمن نیز بود و با فکر و عقل و تدابیر، امور انجمن را اداره می کرد.

محمد علی میرزا این دشمن قسم خورده انقلاب مشروطیت برای غلبه برمجاهدین و تامین نیروهای تازه نفس احتیاج به پول داشت به همین منظور دست به دامن اربابان انگلیسی و روسی شد. نمایندگان این دول قول پرداخت 40 هزار لیر به او دادند.

انجمن ایالتی آذربایجان که خود را جانشین مجلس شورای ملی اعلام کرده بود، با صلاحدید شیخ محمد خیابانی تلگرامی به پارلمان و مجلس سنای فرانسه ارسال و مخالفت ملت ایران را با کمک های مالی به دربار قاجار از طرف دول خارجی اعلام کرد. متن تلگرام به شرح زیر بود:

«پاریس، مجلس مبعوثان، مجلس سنا. در موقعی که شاه، مجلس را با توپ منفصل ساخته و می خواهد برای منقرض ساختن قوای ملی از دول متجاسر قرض کرده، تجهیز سلاح و قشون نماید. ما ملت ایران به عموم ملل حریت پرور عالم اعلام می کنیم که این وجه، نظر بر اینکه باعث اضمحلال یک ملتی خواهد شد

شیخ محمد خیابانی فقر معنوی و استیصال فکری، گرسنگی و سایر محرومیت های ملت را دیده و کاملاً درک کرده بود. قیام خیابانی را نباید حرکتی علیه دولتمردان و حاکمان لاقید و کرتجع دانست. قیام آذربایجان شروع یک نهضت عظیم فکری و ملی بود که شیخ محمد خیابانی در راس آن قرار داشت و در این راه شربت شهادت نوشید و نام خود را در یکی از پر افتخارترین صفحات تاریخ ملتمان جایگزین کرد.

بهروز شکوری

22 شهریور ماه، نود و سومین سالروز شهادت شیخ محمد خیابانی است. وی در سال 1297 هجری قمری در تبریز متولد شد و تحصیلات اولیه خود را در مدارس دینی تمام کرد. خیابانی در دوران انقلاب مشروطیت در حالیکه 27 ساله بود وارد میدان مبارزه شد. چندی نگذشت که به عنوان یکی از پیشوایان انقلاب شهرت یافت.

فداکاری و مجاهدت غیورانه و بی نظیر شیخ محمد هنگامی به اوج خود رسید که نیروهای ارتجاعی محمد علی میرزا، شهر تبریز را به محاصره کامل خود در آورده و از رسیدن آب و آذوقه به شهر جلوگیری می کردند و هر روز که می گذشت این محاصره تنگ تر می شد. در این روزهای سرنوشت ساز، شیخ محمد خیابانی تفنگ در دوش گرفته همراه با مجاهدین از شهر، مشروطیت و آزادی دفاع می نمود. همزمانش می نویسند: در جریان دفاع اگر کوچکترین سستی و یاس از مجاهدین می دید با بیانات شیرین و سخنرانی های مهیج به آنها روحیه تازه می داد.

هم زمان در حالیکه با دشمنان ملت و آزادی می جنگید در انجمن ایالتی تبریز نیز عضویت داشت. در این مورد

« ما خواهان سعادت برای... »

باره زیانبار بودن آن سخنرانی کردند، اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان اولتیماتوم را رد کردند.

در اینجا به فرازهایی از سخنان تاریخی این مرد بزرگ توجه کنیم:

- 1- خلقی که در باره استقلال به مبارزه برخاسته در درجه اول باید آمادگی برای مرگ را داشته باشد؛
 - 2- ترس، اساس آزادی ملت و بشریت را نابود می کند. برعکس شجاعت و دلاوری این اساس ها را پابرجا و مغلوب نشدنی می کند؛
 - 3- ترحم به کسانی که حقوق خلق را غصب کرده، خیانت به توده هاست؛
 - 4- ما خواهان سعادت برای خلق آذربایجان و رهایی از سفالت و فلاکت برای ایران هستیم؛
 - 5- شرط اول شرف ملت، استقلال اوست؛
 - 6- دو انسان هم مسلک مانند برادرند؛
- شیخ محمد خیابانی در نظر داشت با اعاده حاکمیت ملی به ملت ایران و ایجاد تحول عمیق در افکار مردم آرمانهای انقلاب مشروطیت را تحقق بخشد.
- شیخ محمد خیابانی برای به استقلال و آزادی و پیاده کردن مشروطه واقعی در ایران، کهنه کاران دربار و عناصر فرصت طلب را هدف حملات خود قرار داده بود. آخر هم به دست همان افراد خائن و جنایتکار از پای در آمد. محمد علی پادامچی که خود ناظر حوادث آن دوره بوده است می نویسد: در اثنای قیام کابینه وثوق الدوله سقوط کرد. مشیرالدوله (ظاهر الصلاح) روی کار آمد. وی چنین وانمود کرد که علت این قیام فقط ضدیت با کابینه وثوق الدوله بوده، خواست قیام

که در راه اخذ حقوق انسانی خود جان سپاری میکنند، ملت ایران هم به هیچوجه خود را ذمه دار این استقراض نخواهد دانست.

انجمن ایالتی آذربایجان

پس از فرار محمد علی شاه و تشکیل مجلس دوم، شیخ محمد خیابانی به پاس خدماتی که کرده بود از طرف مردم آذربایجان به عنوان نماینده این خطه به مجلس شورای ملی راه یافت. در مجلس هم درایت و تیز هوشی او مثال زدنی بود. علی آذری در کتاب خود تحت عنوان «قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز» می نویسد: متن سخنرانی شیخ محمد خیابانی در مورد اولتیماتوم معروف دولت روسیه تزاری به دولت ایران کم نظیر بود. دولت روسیه 48 ساعت برای اجرای آن ضرب العجل تعیین کرده بود. وثوق الدوله متن اولتیماتوم را در ساعت ده و سی دقیقه روز جمعه هفتم آذر ماه 1290 به مجلس آورده و تصویب آنرا از نمایندگان ملت خواسته بود. هنگام قرائت متن اولتیماتوم روسیه، سکوت وحشتناکی در مجلس مستولی می شود و نمایندگان در بهت و حیرت فرو میروند. ناگهان صدایی مصمم و دشمن شکن سکوت مرگبار را می شکند و جو حاکم بر صحن عمارت بهارستان را تغییر می دهد، «بعضی سئوالاتی است که جواب آنها از زمانهای بسیار قدیم داده شده و احتیاج به جواب مجددی ندارد. چنانکه اگر از ملتی سئوال شود که آیا حاضر هستی آزادی و استقلال را از دست بدهی، مسلماً خواهد گفت هیچ قدرتی حق ندارد آزادی و استقلال مرا سلب کند. امیدوارم دولت روسیه اولتیماتوم ظالمانه خود را پس بگیرد و ملت ایران را از خود نیازارد.»

این نطق تاریخی دل و جرئت کم مانندی به سایر نمایندگان بخشید. پس از آنکه عده ای از نمایندگان در

« ماخواهان سعادت برای... »

میدهد که شیخ را مرده یا زنده اش را پیدا کنند و قزاق ها پس از آنکه خانه شیخ را زیر و رو کردند و اموال آن را به تاراج بردند، سرانجام محل اختفای ویرا که در خانه شیخ حسن میانچی بود کشف، او را با چندین گلوله به شهادت می رسانند. دست او را با شمشیر قطع می کنند و جنازه اش را با نهایت بی احترامی بیرون کشیده، روی نردبان گذاشته و با لهله و شادی به دربار مخبرالسلطنه می برند.

خیابانی را دشمنان خلق و آزادی کشتند و قاتلاناش ترفیع گرفتند. خیابانی فرزند شریف ملت و رهبر نهضت آزادیخواهان در صفحات پر افتخار تاریخ مبارزات مردم ماندگار شد. اما مخبرالسلطنه ها و امثال آنها در زباله دان تاریخ فرو غلطیدند. شعرای معروف ایران از جمله ملک الشعرای بهار و عارف قزوینی در سوگ شیخ شعر ها سررند. از جمله عارف قزوینی نوشت:

کسم به شهر نبیند شدم بیابانی
ز غصه کلنل و زغم خیابانی

بهبروز شکوری

ونهضت ملی را ساکت نماید لذا با شیخ وارد مذاکره شد. خیابانی مرام و مقصود اصلی ملیون را به آقای مشیرالدوله اظهار و گفتند صلاح دولت و صلاح وطنپرستان در این است که قیام ادامه داده شود... مشیرالدوله قبول نکردند. و مخبرالسلطنه را که وکیل تهران بود وبه آزادیخواهی و وطنپرستی (!!!) معروف بود به سمت حکومت آذربایجان، به تبریز فرستاد.

مخبر السلطنه به قصد خفه کردن قیام و آزادی از تهران وارد تبریز شد و بلافاصله در تدارک کودتا در آمد. 28 ماه ذیحجه پس از آنکه تمام وسایل کودتا را فراهم کرد، به قزاقخانه رفت و شب را با رئیس قزاق ها که روس بود و به روایتی عده ای دیگر از مامورین، نقشه حمله به آزادیخواهان را بررسی و شبانه شروع به عملیات نمودند و تا طلوع آفتاب مرکز تجمع آزادی خواهان را تصرف کردند. در این جریان چندین نفر از آزادیخواهان شهید شدند. و بیش از 300 خانه که متعلق به آزادیخواهان بود غارت شد. مخبرالسلطنه دستور

اعدام زندانیان ادامه دارد

کشتار مخالفین حکومت وسعت پیدا کرد. بعد از پایان جنگ ۵ هزار نفر زندانی سیاسی قتل عام گردیدند. احزاب سیاسی هوادار حکومت نیز از سرکوبگری در امان نه ماندن. رهبران این احزاب دستگیر شدند و اعدام گردیدند. ۳۰ سال است از استقرار حکومتی کنونی می گذرد. در این سالها قدرت حاکمه دست از سرکوبگری بر نداشته است. زندانهای کشور از زندانیان سیاسی پر است. سلولهای کوچک چند بار بیشتر از حجم خود

حکومت ایران روی موج انقلاب مردمی در رأس قدرت قرار گرفت طولی نکشید از مردم روگردان شد. فشار علیه مردم را وسیله برای تحکیم قدرت خود قرار داد. کشت و کشتار و اعدام های نامحدود بلافاصله پس از پیروزی انقلاب آغاز گردید. مخالفین بالقوه و بالفعل مورد تهاجم دستگاه سرکوبگر قرار گرفت. مجاهدین خلق ایران که نیروی مسلح در اختیار داشت. با حکومت در تقابل قرار گرفت. اکثر مجاهدین در بر خورد مسلحانه کشته شدند. در سالهای جنگ میان عراق و ایران نتنها اصلاحات اقتصادی متوقف شد بلکه کشت

اعدام زندانیان ادامه دارد

رندانی دارد. اعدام زندانیان بیشتر از هر کشور دیگری است. تنها در زندان قزلحصار کرج ۲۵ زندان بشکل پنهانی بدار آویخته شدند. این اعدام ها در شهر مشهد و بیرجند بدون اطلاع خانواده اعدام شدند. در دو سال اخیر ده ها زندانی در این زندان ها به همین شیوه اعدام شدند. اعدام های گروهی، پنهانی، و گسترده در زندان قزلحصار کرج و دیگر زندانهای ایران به خصوص در زندانهای وکیل آباد مشهد، زندان بیرجند، زندان تایباد، زندان کارون اهواز و زندان ارومیه اجرا شده است. رئیس سازمان زندانهای ایران می گوید. زندان قزلحصار پر جمعیت ترین زندان کشور است. برخی منابع خبری مدعی شده اند که تعداد زندانیان این زندان بیشتر از ۳ هزار نفر است.

حکومت ایران نمی تواند با زندان کردن افراد مبارز و یا با اعدام دست جمع پنهان و آشکار زندانیان پایه های قدرت خود را مستحکم تر نماید. تاریخ صد ساله ایران گویای این حقیقت است. مردم مبارز ایران از دستگیری و زندانی شدن و اعدام شدن هراسی ندارند. جامعه در حال غلیان است. با رسیدن فرصت مناسب به پا میخیزند و آتش خشم خود را فروزان می نمایند. این مبارزه بی امان مبارزه تھی دستان و ثروتمندان است. در کشوری که ثروت خدادادی آن در دست حکومتی ثروتمندان است و مردم به نیم گرسنگی گرفتار شده اند. آشتی فقروثروت گیری قابل تصور است. تنها ایران نیست که نبرد میان فقروثروت با اشکال مختلف ادامه دارد. این مبارزه سراسر جهان را فرا گرفته است اروپای ثروتمند و کشورهای فقیر خاورمیانه و شمال آفریقا با این درگیری روبرو است. وجود فقر و ثروت پایه ای طبقاتی دارد. جامعه سرمایه داری به دو طبقه کارگر و سرمایه دار تقسیم شده است. قدرت سیاسی در

این جامعه در دست طبقه سرمایه دار است. همین ماشین قدرت است که تھی دستان را زیر ستم قرار داده است. در صورت اعتراض علیه نا عدالتی ها این ماشین بکار می افتد و ستم دیدگان را سرکوب می کند. بحران اقتصادی و مالی در اروپا به سراسر جهان گسترش یافته است. برای خروج از این بحران سطح بودجه دولت را پائین می آورند. بدین ترتیب حقوق کار میدان دولت و حق بازنشستگان کم تر میشود و این عمل بی رحمانه مورد خشم مردم قرار می گیرد. اعتصاب و تظاهرات علیه این سیاست گسترده تر می شود. گرچه این اعتراضات جنبه مسالمت آمیز دارد. اما هوشداری است به سرمایه داران و حکومت آنها. زیرا با وخیم تر شدن زندگی مردم موج انقلاب این کشورها را نیز فرا خواهد گرفت. جنگ مسلحانه و یا اعتراضات خونین علیه ثروتمندان جهان عرب ماهاست با ریخته شدن خون زحمتکشان با شدت ادامه دارد. این مبارزه در مصر و تونس سران حکومت را کنار زد. در گیری در کشورهای عربی سراسر منطقه را فرا گرفته است. در مصر میدان تحریر مجدداً پر از اعتراض کنندگان است. آنها می خواهند اصلاحات سیاسی و اقتصادی نیمه تمام نماند. سیستم سیاسی خودکامه گی به سیستم سیاسی دمکراتیک تبدیل شود. جوانان با کار تأمین شوند. و زندگی مردم بهبود یابد. همین است هسته اصلی خواست قیام کنندگان.

باید خاطرنشان ساخت که بدون بر چیدن نظام سرمایه داری دست یافتن به این خواسته های مردم کار آسانی نیست. مبارزه در این راستا ادامه دارد. نظام سرمایه داری محکوم به مرگ است. دیر و یا زود جای سرمایه داری در حال مرگ را نظام مردمی خواهد گرفت.

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

سوسیالیسم از تخیل به علم جمع بندی تجارب انقلاب ۱۸۴۹-۱۸۴۸

پس از شکست انقلاب ۱۸۴۹-۱۸۴۸ ارتجاع حاکم گردید. اما از آغاز دهه ۶۰ جنبش کارگری از نو جان گرفت و سازمان یافته تر به میدان آمد. در کشورهای مختلف احزاب مارکسیستی پدید می آیند.

تحلیل و بررسی علمی این حوادث مهم در اثر کارل مارکس «مبارزه طبقاتی در فرانسه از ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰» انعکاس یافته است. در این اثر نشان داده شد که انقلاب نقش «لوکوموتیو تاریخ» را دارد و همچنین در این اثر مسئله انقلاب پی در پی، یعنی در شرایط مناسب و مطلوب اجتماعی گذار از انقلاب بورژوازی به انقلاب سوسیالیستی مطرح می گردد. در این اثر ک. مارکس برای اولین بار اصطلاح «دیکتاتوری پرولتاریا» را مطرح و هژمونی پرولتاریا در انقلاب بورژوا - دمکراتیک، اتحاد طبقه کارگر با دهقانان را مستدل می کند.

اهمیت اساسی این اثر اینست، که برای اولین بار مبنای خواسته اساسی طبقه کارگر خلاصه شده است: اجتماعی کردن ابزار تولید، به جای فرمول ناروشن «دارایی عمومی» که اصطلاح ویژه خرده بورژوازی و سوسیالیستهای تخیلی است. مارکس خواست دقیق تابعیت ابزار تولید از اتحادیه طبقه کارگر را پیش کشید.

در اثر «هیجدهم بورومر لویی بناپارت» (۱۸۵۲)، مارکس این نتیجه گیری را ارائه داد، که برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی و برقراری حاکمیت پرولتاریا ضروریست که دستگاه کهنه دولت بورژوازی در هم کوبیده شود. و. ا. لنین تاکید می کند که، «این دستاورد اصلی و بنیادی در آموزش مارکسیسم در مورد دولت است».

همچنین مسئله بحران اقتصادی همچون مقدمه انقلاب، جوانب نظامی آن، بررسی احتمالات اشتباه در دوران گذار، می پردازند. ک. مارکس در مراجعه به طبقه کارگر چنین هشدار داد: «شما ممکن است پانزده، بیست و یا پنجاه سال دیگر جنگهای داخلی و درگیریهای بین المللی را تحمل کنید، البته نه تنها برای این که شرایط موجود را تغییر دهید، بلکه همچنین برای این که به توانید خود را تغییر دهید. و خودتان را برای حاکمیت سیاسی پرورده سازید. و...».

مارکس در این سالها نظرات بسیار مهم در مورد تفاوت عمیق بین سانترالیسم دمکراتیک و سانترالیسم بوروکراتیک، و همچنین پدیده های اجتماعی، همچون بناپارتیسم، ارائه می دهد.

مارکس در نامه ای به "آی. ویدیمرو" در پنج مارس ۱۸۵۲ خاطر نشان می سازد، که: «آن چیزی نوینی که من انجام داده ام، اثبات این است: ۱) اینکه موجودیت طبقات فقط مربوط است به مراحل مشخص تاریخی رشد تولید؛ ۲) اینکه، مبارزه طبقاتی ضرورتاً منجر به دیکتاتوری پرولتاریا می گردد؛ ۳) اینکه این دیکتاتوری خود نقش گذار به نابودی همه طبقات، بسوی جامعه بی طبقه را ایفا خواهد کرد».

تشریح اقتصادی سوسیالیسم علمی

هرچه بیشتر مبارزات طبقاتی پرولتاریا در هم می شکست و تشدید می شد، به همان میزان کارل مارکس توجه بیشتری به رشد تئوری می نمود. به گفته ف. انگلس، علم برای مارکس نقش محرک تاریخی و نیروی انقلابی را ایفا می کرد. دقیقاً به همین دلیل امر تمامی زندگی مارکس در تناسب با درک ماتریالیستی

سوسیالیسم از تخیل به علم

تاریخ او، همان تدوین آموزش اقتصادی بود، که محصول چهل سال تلاش - از ۱۸۴۳ تا ۱۸۸۳ بود.

در ۱۸۵۷ اولین بحران اقتصادی جهانی شروع گردید. مارکس عجله دارد که نتایج سالهای طولانی تحقیقات اقتصادی خود را جمع بندی کند، که تا «طغیان»، یعنی به برآورد او تا آغاز انقلاب در مسائل اساسی به نتایج روشن و مشخص رسیده باشد. بدین ترتیب چند واریانت «کاپیتال»، اثر اصلی مارکس، که بیان کننده دیدگاههای اساسی اقتصادی و اجتماعی، بررسی شیوه تولید سرمایه داری و کشف قوانین ویژه اقتصادی حرکت جامعه بورژوازی - قانون ارزش اضافی، مطرح شد. جلد اول آن در سپتامبر ۱۸۶۷ منتشر گردید. جلد دوم و سوم این اثر بزرگ بعد از مرگ مارکس از طرف انگلس آماده و به چاپ رسید.

با «کاپیتال» پروسه دگرگونی سوسیالیسم از تخیل به علم پایان می یابد. پیوند تمامی اجزا مارکسیسم در اینجا تبلور کامل می یابد. در این اثر، در تناسب با موضوع اصلی تحقیقاتی، مارکس توجه ویژه ای به پروسه پیدایش مقدمات مادی و معنوی جامعه نوین مبذول می دارد: رشد نیروهای مولده، در مرحله تولید بزرگ ماشینی، تبدیل کار خصوصی بکار عمومی، حضور بلاواسطه علم در نیروی مولده، تغییر در تناسب ساعات کاری و غیر کاری (آزاد)، تقسیم محصول اجتماعی، افزایش نقش تولیدات معنوی و غیره. او به مهم ترین گرایشات که محرک رشد اجتماعی و فردی نیروهای مولده است، توجه دارد.

متد «کاپیتال» چنانکه خود مارکس آن را همچون دیالکتیک ماتریالیستی و شیوه بررسی تاریخی تولید سرمایه داری تعیین می کند، به صورت قانونمند به پیش بینی آینده می انجامد. به نقطه ای که نابودی شیوه معاصر مناسبات تولیدی اعلام می شود و اولین گامهای جنبش بسوی آینده ترسیم می گردد. بررسی تئوریک تضادهای سرمایه داری او را به این نتیجه مسلم می رساند: «تمرکز ابزار تولید و عمومی شدن تولید به

چنان حدی خواهد رسید، که آنها دیگر در آن پوسته سرمایه داری نمی گنجند. این پوسته منفجر می گردد، زمان نابودی مالکیت خصوصی سرمایه داری فرا می رسد. غاصبان سلب مالکیت می شوند».

و. ا. لنین، «کاپیتال» را همچون نمونه بررسی علمی یکی از پیچیده ترین فرماسیونهای اجتماعی را با متد ماتریالیستی، که مورد قبول همه است و هیچ کس نمی تواند آن را رد کند، می داند. و به همین دلیل «کاپیتال» سلاح فکری - تئوریک طبقه کارگر گردید.

بحران اقتصادی ۱۸۵۷ به انقلاب نینجامید، اما موجب خیزش نوین جنبش کارگری گردید. در ۱۸۶۴ ک. مارکس و ف. انگلس، سازمان بین المللی نوین طبقه کارگر - انترناسیونال اول - را تشکیل دادند، که نقشی اساسی در تاریخ جنبش انقلابی ایفا کرد. انترناسیونال اول موجب گسترش آموزش سوسیالیسم علمی و تاکتیک واحد مبارزاتی پرولتاریا در کشورهای اروپای شد. رهبر فکری این جریان کارل مارکس بود. در اسناد برنامه انترناسیونال اول، با هدف وحدت جریانات مختلف جنبش کارگری، در مورد نابودی مالکیت خصوصی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، چیز گفته نشده بود. اما در واقع امر، این مفاهیم در اشکال عمومی تری در برنامه جای گرفته بود.

جمع بندی تجارب کمون پاریس

دوران پس از کمون پاریس - یکی از ثمربخش ترین دوران در رشد فکری - تئوریک سوسیالیسم علمی بود. در اثر «جنگ داخلی در فرانسه» (۱۸۷۱) ک. مارکس تجارب انقلابی کمون پاریس را بررسی نمود. او آن را همچون دولت طراز نوین، دیکتاتوری پرولتاریا مشخص نمود. مارکس نقش کمون پاریس را در تاریخ مبارزات پرولتری بسیار مهم ارزیابی کرد. به گفته مارکس، کمون اولین تلاش برای اجرای اصول سوسیالیسم علمی در عمل بود.

تجربه کمون ضرورت در هم شکستن دستگاه دولتی بورژوازی را به ثبوت رساند. هم زمان نشان داد، که چه

در «آنتی دورینگ» که به شکل پلیمیک بیان شده است، سه جز مارکسیسم تشریح گردیده است. این اثر در نوع خود دایره المعارف آموزش انقلابی است، که ایده سوسیالیسم خرده بورژوازی و کمونیسم سربازخانه ای به نقد کشیده شده است.

پس از مرگ کارل مارکس، از ۱۸۸۳ تا ۱۸۹۵ آخرین مرحله فعالیتهای تئوریک و علمی ف. انگلس است. در این سالها مارکسیسم مواضع نوین را در جنبش جهانی کارگری تسخیر می کند. در تبلیغ سوسیالیسم علمی و رشد تئوریک آن، شاگردان و طرفداران مارکس و انگلس - آ. بیل ؛ می. بیکر؛ د. بلاگوف؛ آ. وارلن؛ و. ولف؛ ف. زورگه؛ و. لیبکنشت؛ گ. و. پلخائف و دیگر فعالین برجسته جنبش کارگری نقش چشم گیری ایفا کرده اند.

ف. انگلس در سالهای آخرین زندگی خود توجه ویژه ای به راه ها و شیوه های مبارزه به خاطر سوسیالیسم داشت. در رابطه با مراحل گذار به جامعه نوین، او تاکید می کرد، که «این پیچیده ترین مسئله ای است از تمامی مسائل موجود، چونکه شرایط بدون وقفه در حال تغییر است».

ف. انگلس در بررسی رشد اقتصادی کشورهای اروپای پس از انقلابات ۱۸۴۸ و شکست تخیلات آن انقلابیونی که به خیزش سریع امواج انقلاب نوین باور داشتند، می نویسد: «تاریخ نشان داد، که ما و تمامی متفکرین شبیه ما بر حق نبودند. تاریخ به روشنی نشان داد، که وضعیت رشد اقتصادی قاره اروپا در آن زمان به آن حد نرسیده بود، که به تواند شیوه تولید سرمایه داری را حذف کند».

مارکسیسم از اولین روز موجودیت خود مورد هجوم بی رحمانه ایدئولوگهای بورژوازی قرار گرفت. ایده های اساسی مارکسیسم- نقش جهانی - تاریخی طبقه کارگر، ضرورت انقلابی سوسیالیستی، تغییر وظایف جنبش کارگری در تناسب با شرایط مشخص، اشکال گوناگون مبارزات زحمتکشان به خاطر منافع خود - همیشه در مرکز مبارزات ایدئولوژیک قرار داشته است. از نیمه دوم قرن نوزدهم تا امروز.

بخشهای از آن را می توان به صورت باز سازی شده مورد استفاده قرار داد. و چه بخشهایی را باید کاملاً از نو ایجاد کرد. در این رابطه ک. مارکس از ضرورت گسترش خود گردانی، اصول وحدت قوه مقننه و اجرائیه، انتخابی بودن، تعویض، علنیت، انتقاد از خود... تاکید داشت.

در دوره بعد از کمون پاریس رشد آتی کاپیتالیسم ادامه می یابد. در این زمان، در کشورهای اروپایی پرولتاریا به سرعت از لحاظ کمی رشد می کند و جنبش کارگری گسترش می یابد. این جنبش در مبارزات فشرده با بورژوازی نیرو می گیرد. احزاب طبقه کارگر هر چه بیشتر توده ای می گردند. مارکسیسم به تدریج به آموزش اساسی جنبش کارگری تبدیل می گردد. همگام با این گرایشات اپورتونیستی که مربوط به جریانات خرده بورژوازی در صفوف پرولتاریا و نتیجه تأثیر ایدئولوژی بورژوازی بر طبقه کارگر است، نیز رشد می کند. در این دوران وظیفه اصلی این بود، که به طور خستگی ناپذیر توده های زحمتکش را برای نبرد طبقاتی پیش رو آماده، احزاب پرولتاری را به حزب انقلابی واقعی تبدیل و مبارزه علیه اشکال مختلف اپورتونیزم در جنبش کارگری را تشدید کرد.

دقیقاً اثر کارل مارکس «نقد برنامه گوته» (۱۸۷۵) و اثر ف. انگلس «انتقاد از طرح برنامه ۱۸۹۱ سوسیال - دمکراتها»، به این مسائل جواب می دهند. در «نقد برنامه گوته» کارل مارکس چشم انداز مبارزه برای نظم نوین، قانونمندی های برپایی آن را تشریح نمود. در این اثر چگونگی دوران گذار از کاپیتالیسم به سوسیالیسم و دو مرحله فرماسیون کمونیستی مطرح می گردد. در رشد ایده سوسیالیسم علمی، آثار ف. انگلس «آنتی دورینگ» (۱۸۸۷)، «رشد سوسیالیسم از تخیل به علم» (۱۸۸۰)، نیز اهمیت ویژه ای داشت. اثر آخر پس از «مانیفست حزب کمونیست» به معروفترین اثر مارکسیسم تبدیل شد. ک. مارکس این اثر را اصول مقدماتی سوسیالیسم علمی نامید.

این حق کودکان آذربایجانی است که به زبان مادری خود تحصیل کنند.

در آذربایجان چه می گذرد

مجلس با فوریت طرح نجات دریاچه ارومیه مخالفت کرد

می کند. مخاطرات زیست محیطی ناشی از خشک شدگی این دریاچه مناطق وسیعی از آذر بایجان را تحت تاثیر قرار داده و با وسیع شدن آن قطعا تبعات آن گسترده خواهد شد.

محدود کردن این فاجعه زیست محیطی به آذر بایجان و مناطق همجوار، حتما و قطعا از محدودیت فکری آن نشات می گیرد. اگر تبعات و مخاطرات این نابودی در کوتاه مدت مناطق پیرامون را تحت تاثیر قرار می دهد صد البته در دراز مدت ایران و کشور های همجوار را در قالبهای دیگر نیز دچار مشکل خواهد کرد.

واکنشهای مردمی در قبل این حادثه چه در آذر بایجان و چه در سایر مناطق به جا و منطقی است: آنها به عینه شاهد در معرض خطر قرار گرفتن مزارع کشاورزی، باغات و... و در کل زندگی خود هستند.

آگاهی بخشیدن به عمق حادثه و انعکاس دغدغه های مردم به حاکمیت و قرار دادن راه کار های علمی و عملی و قابل دسترس وظیفه ی ملی همه است. ایجاد وحدت خواسته که همان نجات این دریاچه می باشد فارغ از مسایل دیگر قطعا در نجات دریاچه ی ارومیه تاثیر خواهد داشت. هر چند همه ی مسایل در کشور سمت و سوی سیاسی دارد، خصوصا مصادره ی به مطلوب کردن، دخالت دادن خواسته های سیاسی و در عبارتی ماهی گرفتن از دریاچه ای که خود در حال احتضار قرار دارد عین بی توجهی به اصل مساله و مد نظر قرار

نمایندگان مجلس شورای اسلامی صبح روز 25 مرداد با طرح دو فوریتی «انتقال آب برای نجات دریاچه ارومیه از خشک شدن» مخالفت کردند. دلیل مخالف خود را غیر کارشناسی طرح اعلام کردند. در نتیجه این طرح باید برای کارشناسی به کمیسیون مربوطه بر گردد و بررسی مجدد شود.

نادر قاضی پور نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی در دفاع از طرح با اشاره به پسرقت سریع و مداوم آب، نسبت به ضرورت نجات حیات گیاهی و حیوانی این زیست بوم و جلوگیری از تبعات خشکی دریاچه ارومیه برای منطقه هشدار داد.

جواد جهانگیر زاده دیگر نماینده ارومیه در مجلس هشدار داد که، اگر این دریاچه خشک شود در بسیاری از استان ها باران نمک خواهد بارید و نزدیک به 13 میلیون نفر را آواره خواهد کرد. وی این پدیده را «کم کاری و قصور» دولت دانست و گفت که هئیت دولت در سال 87 در مصوبات سفر های استانی خود دوهزار و هفتصد میلیارد تومان برای احیاء این دریاچه تصویب کرده بود اما تا کنون پرداخت نشده است

مقام های سازمان حفاظت از محیط زیست ایران می گویندکه با افزایش خشکی این دریاچه، حدود 10 میلیارد تن نمک به صورت گرد و غبار و توفان بر سر مردم بیشتر مناطق ایران ریخته خواهد شد.

بر اساس این طرح وزارت نیرو موظف می شود حد اقل یک میلیارد متر مکعب آب را برای جلوگیری از خشک شدن این دریاچه با پمپاژ از رودخانه ارس و همچنین سیلوه در پیرانشهر فراهم کند.

بیانیه اصلاح طلبان و فعالین مدنی آذربایجان

در مورد تبعات و مخاطرات ناشی از خشک

شدن دریاچه ارومیه

به گزارش جرس، متن این بیانیه به شرح زیر است:

قوی سپید و نگین آذر بایجان
"دریاچه ارومیه" لحظه های آخر سپری

نادر قاضی پور در مصاحبه ای که با ایرنا داشت، تاکید کرد با دید کارشناسی می گویم خشک شدن دریاچه ارومیه به متروک شدن حد اقل 5 شهرستان می انجامد و این بسیار نگران کننده است. وی اضافه کرد تا به حال 60 درصد آب دریاچه خشک شده است و تا 3 سال دیگر تمام دریاچه خشک خواهد شد.

دستگیری گسترده فعالان مدنی در آذربایجان

به گزارش خبرگزاری هرانا - پنجشنبه سوم شهریور، ماموران امنیتی با هجوم به افطاری فعالان مدنی در تبریز ضمن ضرب و شتم دو تن از آنها، ۳۰ نفر را بازداشت کردند، قادر نوروزی و وحید شیخ بگلو از جمله افرادی هستند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شدند.

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان روز گذشته به شرح زیر است:

عزیز پورولی، جمشید زارعی، مرتضی عوض پور، مصطفی عوض پور، محمود فضلی، جلیل علمدار میلانی، تقی سلحشور، یوسف سلحشور، عبدالله صدوقی، محمدعلیمرادی، مهدی حمیدی شفیق، حسن ارک، مهدی مهاجر، احمد علیزاده، یاسر سلمانی رضایی، ایلقار کریمی، مهدی نوری، احمد ریاضی مبارکی، فرزاد مهدوی، موسی برزین خلیفه لو، یعقوب رمضانی، وحید شیخ بگلو، علی شیرناک، محمد امیری، تقی صوفیانی، قادر نوروزی

هم چنین حسن کریمزاده که صبح امروز پنج شنبه به اطلاعات اردبیل فراخوانده شده بود، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است، از سوی دیگر در مشکین شهر نیز آیدین ذاکر از دیگر فعالان سیاسی و مدنی آذربایجانی

دادن منافع کوچک در قیاس با این فاجعه ی زیست محیطی است.

البته سخنان نسنجیده عده ای از نمایندگان در رد طرح دوفوریتی خصوصا سخنان نامربوط نماینده بجنورد که همه چیز را از عینک سیاسی نگاه می کند و بی توجه به اصل قضیه از مردم می خواهد پول اختصاصی به رفع این معضل را بگیرند و محل ترك کنند ناشی از بی اطلاعی از حساسیت های مردمی و احیانا سایر غرض های احتمالی است. ما به این راه یافتگان به مجلس اعلام می کنیم با درک و رویت واقعیت های موجود در جهت رفع علمی این خطر زیست محیطی باشند و بیهوده در مقابل در مقابل مبالغ اختصاصی که در مقابل حیف و میل های این چند سال اخیر رقمی ناچیز است موضعی نادرست نگیرند.

در انتها از مردم آذربایجان درخواست می کنیم در احقاق حقوق اولیه و طبیعی خود اهمال و سستی نکنند و در جهت اعمال مسولینی که با يك جانبه نگری و نگاه غیر علمی در طول این چند سال این منبع خدادادی را در معرض نابودی قرار داده اند مدنی و مسولانه برخورد نمایند.

دستگیری چندین تن از هواداران تیم

شهرداری تبریز

بنا بر اخبار رسیده روز پنجشنبه 27 مرداد گروهی از تماشاگران تیم شهرداری تبریز هنگام خروج از استادیوم سهند توسط ماموران امنیتی دستگیر شدند. در میان دستگیر شدگان محمد علیمرادی دیده می شود. علیمردای تا به حال چندین بار به دلیل فعالیت ها مدنی دستگیر شده است. علت دستگیری شعارهایی است که هنگام بازی تماشاگران بر علیه عدم تصویب طرح دوفوریتی انتقال آب به دریاچه ارومیه می دادند. تماشاگران شعار میدادند: " آذربایجان دورسس وئر اورمو گولو نفس وئر" - " اورمو گولو هسوسودو آذربایجان اوبانماسا اوددوزو" و ...

در آذربایجان

را در شرایط سخت زندان ها، مغایر با اصول انسانی و حقوقی می دانیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر بنا به منشور خود، فعالیت اجتماعی و دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان را حق همه انسان های آزادی خواه و حق طلب دانسته و هرگونه فعالیت در جهت ایجاد تشکل های صنفی و طبقاتی در دفاع از حقوق زحمتکشان را، حق مسلم فعالان اجتماعی می داند و اینگونه دستگیریهها و آزار فعالان را محکوم می کند.
16 مرداد 1390

بیکاری و بی عدالتی در آذربایجان شرقی

به گزارش سایت خانه ملت، سیروس ساز دار نماینده مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس، روز سه شنبه اول شهریور در نطق خود گفت: عین الدوله معتقد بود ایرانی ها در آذربایجان مستاجرند و مستاجر خانه را آباد نمی کند. وی ادامه داد: آذربایجانی ها سر ایران بودن، یعنی صاحب خانه بودن را به درستی با رشادت های وصف نا پذیر تاریخی خود به اثبات رساندند، اما متأسفانه عملکرد برخی مسئولان شعار امثال عین الدوله را در ذهن ها تداعی می کنند... با نگاهی به استان آذربایجان شرقی به وضوح مشخص است که این استان با اعمال ضعیف مدیریت ها به دو منطقه توسعه یافته (جنوب استان) و کمتر توسعه یافته (شمال استان) تقسیم شده است.

وی آمار بیکاری در شهرستان مرند و جلفا را « 45 درصد افراد شاغل در فعالیت کشاورزی و دامداری» اعلام کرد و در این زمینه به نامه شماره 11/1/80809 مورخ 25/6/86 وزرای کشور و نیرو و جهاد کشاورزی به احمدی نژاد اشاره کرد که به گفته وی «گواه وضعیت اسفبار این منطقه است». وی بیکاری 85 درصدی مرز نشینان را نشانه عدم رعایت عدالت و فراموش نمودن مرز نشینان دانست و پرسید: کدامین قدرت در استان و دولت حاکم است که حتی رئیس دولت را برای افتتاح یک واحد گاوداری 600 راسی به استان دعوت می کند؟

توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

در طی روزهای گذشته ده ها تن از فعالین سیاسی و مدنی شهرهای مختلف آذربایجان توسط اداره اطلاعات احضار و یا مورد تهدید تلفنی قرار گرفته اند.

گفتنی است، برخوردهای صورت گرفته به دلیل فراخوان برخی از فعالان سیاسی در پی رد طرح آب رسانی به دریاچه ارومیه در مجلس صورت گرفته است. تظاهراتی که امروز در یک بازی فوتبال در تبریز آغاز و فردا در ارومیه پیگیری خواهد شد.

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر در اعتراض به دستگیری و تداوم بازداشت فعالان کارگری و دانشجویی تبریز

حدود دوماه است که تعدادی از فعالان کارگری و دانشجویی در تبریز بازداشت شده اند. شاهرخ زمانی، نیما پوریعقوب، ساسان واهی و ش، محمد جراحی و سید بیوک سیدلر پنج زندانی هستند که گاهی به جز دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و اعتراض به ستم های طبقاتی نداشته اند. آنان در ابتدای بازداشت، بیش از یک ماه در سلول های انفرادی در شرایط سخت بازجویی شده اند تا به گناهان نا کرده اعتراف کنند، به طوری که شاهرخ زمانی، در اعتراض به حبس انفرادی و شرایط سخت بازجویی، به مدت 26 روز دست به اعتصاب غذا زد. اکنون بیش از دوماه است که حتی پس از انتقال به زندان عمومی، همگی در وضعیت بلاتکلیفی به سر می برند. درحالی که تا کنون هیچ گونه اتهام مشخصی به آنان وارد نشده است، مسئولین امنیتی وقضایی تلاش می کنند تا برای آنان پرونده سازی کرده و آنان را به دادگاه بفرستند ما خواهان آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی از جمله این زندانیان هستیم و نگهداری آنان

آذربایجاندا نه لر باش ویریر

ایرانداکی ملتترین وضعیتی نه یرده دیر؟ بو سئوالین واحد جوابی یوخدور. آنجاق دیمک لازیمدیر که، غیر- فارس ملتیر عمومی سیاسی تضیقه معروض قالماقلا یاناشی، اونلارین دلیلی و مدنیته ده ازیلیر. ایراندا ملتترین ازیلمه سی رضا شاهین حاکمیتی دورونده ۱۹۲۵- جی ایلده پهلوی سولاله سی طرفیندن آرایا گتیریلن فارس ملتچیلیی ایله سیخ علاقه داردیر. بو ملتچیلیین هیتر دورونده کی آلمان ملتچیلیی ایله بیر چوخ اوخشارلیقلاری واردیر. باشقا عرفلردن اوستون اولان آری حاکم عرق ایدیولوگیسی فارس ملتچیلییین اساسینی تشکیل ایتمیشدیر و حال- حاضردا دا ایتمکه دیر. رضا شاه و اونون اوغلونون حاکمیتی ایلرینده آذربایجان ترکجه سی اجتماعی دلیلی کیمی قاداغان اییدلی. ۱۹۴۷- جی ایلده ایلک دفعه اولراق آذربایجان ادبیاتی کتابلاری کوتلوی صورتده یاندیریلدی. گینیش آسیمیلیاسیا پروقراملاری ترتیب و طتیق اولنودو. آذربایجانلیلارین، ائله جه ده باشقا ملتترین مدنی - اتنیک ازیلمه سی «بیر ملت، بیر دیل، بیر عرق» شعاری آلتیندا ایندی ده دوام ایتمکه دیر.

مرکزی حکمتین آسیمیلیاسیا سیاستی ۴ متودا

اساسلانمیشدیر:

آنا دیلینده مکتب سیستمین قاداغان اییدلمه سی، ائله جه ده آنا دلیلی کوتلوی انفورماسیا واسطه لرینه یول ویریلمه مه سی. بونا علاوه اییدلمه لیزیر که، آذربایجان سوزلرینین استفاده اولوندوغو ۱- ۲ ساعت لیک رادیو- تلویزیو پروقرامی موجوددور. لاکن بورادا آذربایجان دلیلی قصدن قراماتیک جهدن تحریف اولونور و فارس سوزلری ایله قاریشیق ایشله دیلیر. بو، دیلین مقصدینلو دفورماسیاسیدیر.

هامیا معلومدور که، ایراندا انسان حقوقلاری پوزولور. ایراندا فکر و توپلاشماق آزادلیغی یوخدور. تنقیدی فکر اولان ژورنالیستلر، همکارلار اتفاقلارینین نماینده لری و انسان حقوقونون مدافعه چیلری تعقیب حبس اولونور و ایشگنجه لره معروض قالیرلار. قادینلار قانون طرفیندن و جمعیتده کوتلوی صورتده تعبیضه معروض قالیرلار. ایرانی دیرلندیره رکن، عمومی اهالینین آنجاق بو سیاسی ازیلمه سینی ئولکه نین گله جیینین پروقتوزو ایچون یگانه عامل کیمی قلمه ویرمک بویوک بیر صف اولاردی. ایرانین گله جک انکشافیندا داها مهم رول اوینایا بیله جک باشقا بیر عامل موجوددور. بو ایراندا ملی اتنیکلر عاملیدیر.

ژورنالیستلر، سیاستچیلر و ایران ایله ماراقلانان دیگر شخصلرله مذاکره لرزمانی بئله نتیجه یه گلدیم که، ایرانین اتنیک ترکیبی حقیقده بیر چوخلارینین معلوماتی یوخدور. ایران و ایرانلیلار حقیقده دانشارکن حقیقده ایسه بوندان تام فرقلیدیر.

ایران اهالیسی بیر چوخ ملتترین کوللیاتیندان عبارتدیر: آذربایجانلیلار، کردلر، بلوچلار، عربلر، ترکمنلر، خوراسان ترکلری، قاشقای ترکلری، لورلار و باشقا کیچیک اتنیکلر. دئملی، ایران چوخ ملتی ئولکه دیر.

ایرانین ملی ترکیبی حقیقده کی رسمی معلوماتلارا چوخ احتیاتلا یاناشماق لازمدیر. رسمی منبع لره گوره ایران اهالیسینین ۵۱% فارسلاردیر. اصلینده ایسه بو رقم گوستریلدییندن داها کیچیکدیر. اتنیکلرین فایز نسبتی حقیقده آنجاق احتیماللار ایره لی سورمک اولار، چونکی بو حقهده اعتبارلی حسابلامالار یوخدور. آذربایجانلیلارا گلدیکده منبع لر ۲۵- ۳۰ میلیون اهالیی گوستریر که،

ایراندا آذربایجانلیلارین حشرات آدلاندیریلماسی ایرانین آذربایجان ایالتینین بیر چوخ شهرلرینده کوتلوی دینج اعتراضلارا و نمایشلره گتیردی. تبریز، ارومیه، اردبیل، زنجان، ماراغا، خوی، مرند، ماکو و سایر شهرلرینده هر گون یوز مینلره آذربایجانلی فارس عرقچیلرینین حقارتی دامغالارینا قارشی نمایشه چیخدی. نمایشچیلر اونلارین مدنیتینه و دیلرینه اولان تضیقه سون قویولماسینی، اوشاقلاری ایچون آنا دیلینده مکتب و آنا دیلینده کوتلوی اینفورماسیا واسطه لری یاراتماق حقوقو طلب ایدیردیله. نمایشچیلر ئوز خلقلرینین مقدراتینی تعین ایتمک حقوقونون تانینماسینی، آذربایجان ایالتلرینین اقتصادی باخیمسزلیغینا سون قویولماسینی طلب ایدیردیله. ایران رژیمی آذربایجانلیلارین دمکراتیک طلبلرینی زوراکلی پلیس و حربی واسطه لرله بیرینده جه بوغماغا چالیشدی. مینلره دینج نمایشچی حبس ایدیلدی، نمایشچیلرین چوخ حصه صی ایران سلاحتی قوه لرینین آچدیغی آتش نتیجه سینده ئولدورولدو، چوخ انسان یارالاندی. اعتراض نمایشچیلرینده اشتراک ایتمیش تخمیناً ۴۰ نفر تانینمیش آذربایجان یازچیسی، صنعت آدمی، مدنیت خادمی و زیالی حبسه آلیندی.

بو گون ایرانین زندانلاریندا، بیر چوخ آذربایجانلی، آزادلیق، دمکراتیا و ان ابتدائی انسان حقوقو، یعنی دیل آزادلیقی طلب ایتدیکلری ایچون مختلف فیزیکی و پسیخولوژی ایشکنجه لره معروض قالیرلار. بونونلا بنله آزادلیق و قورولوش اوغروندا مبارزه گوندن - گونه گوجلنیر. تاریخین صبری و زمانین ایسته بیدیرکی، آذربایجان ملی آزادلیقینی اله کیچیریب و ئوز مقدراتینی ئوز الیه تعین ایتسین.

آذربایجان ایالتلرینده اقتصادی انکشافا لاقید

یاشاشما.

آذربایجانلیلارین، انله جه ده باشقا ملتلرین عرقی تحقیر اولونماسی و آذربایجانلیلارین ملی کیملیندن اوزاقلادیرماق ایچون مختلف پسیخولوژی متودلارین طتیبقی.

آذربایجانین تاریخی پر، کند و آدلارینین فارس

دیلینه چیوریلمه سی.

آذربایجانلیلارین آسیمیلیاسی متودو ایرانین آذربایجان اهاالیسینه آرتیق چوخ گوجلو تأثیر گوسترمیشدیر. بونون نتیجه سی اولاراق بیر چوخ اجتماعی اداره لرده و سیاستده چالیشان بیر چوخ آذربایجان - ترکلیری ئوز منشأ و دیلینی تامامیله انکار ایدیرلر.

ایراندا آنا دیلینده مکتبی اولمایان ۳۰ میلیون آذربایجانلی یاشاییر. ایراندا یاشایان آذربایجانلیلارین ۹۵ % ئوز آنا دیلرینده سوادسیزدیلر. آنا دیلینده فیلم، تلویزیو و تأثیر کیمی طبعی اولان شیلر ایران آذربایجانلیلاری ایچون تصور ایدلمزدیر. آذربایجان والیدینلری ئوز اوشاقلارینا ترک آدلاری ویره بیلزلر.

ایرانین پایتختی تهران شهرینده ۱۲ میلیون اهالی یاشاییر. رسمی ستاتیسیتیکایا گوره تهران اهاالیسینین یاریسیندان چوخو آذربایجانلیلاردیر. بونلار شهرین اقتصادی باخیمسزلیقا معروض قالماسی نتیجه سینده تهران و باشقا شهرلره گیتمه یه مجبور اولموش آذربایجانلی کوچکونلردیر.

۲۰۰۶ - جی ایلین مای آیینین ۱۲ - ده ایران اسلام رژیمینین رسمی انفورماسیا اورقانی اولان «ایران» قزئتینده ایراندا یاشایان ترکلیر آجیندان قیریمالی اولان «تاراکانلار» آدلاندیریلیمشدیر.

علامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

هم وطنان گرامی!

آذربایجان را ترک می کند به مناطق دیگر و به شهر تهران مهاجرت می کنند و بدین وسیله برای رشد اقتصادی این مناطق نیروی کار آذربایجانی را بکار گیرند. تصادفی نیست که می گویند اکثریت اهالی تهران را ترکهای آذری تشکیل می دهند. حاکمان تهران با استفاده از نیروی کار و ثروت ملی آذربایجان سرمایه گذاری در کرمان، یزد، کاشان و شهرهای دیگری جنوب ایران گسترش می دهد. این دومین ستمی است که در مورد آذربایجان اعمال می شود.

خشک شدن دریاچه ارومیه نه تنها زیست محیط مناطق ارومیه بلکه منطقه وسیع از آذربایجان شرق را با وضع دشوار قرار خواهد داد. کارشناسان آذربایجانی طبل خطر را به صدا در آورده اند. آنها پیش بینی می کنند که در صورت عدم جلوگیری از خشک شدن دریاچه ارومیه سونامی نمک تمام منطقه آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی را بویرانی خواهد کشاند وضع زیست محیط بشکل در خواهد آمد که کیش و برداشت در این منطقه نابود خواهد شد. این به آن معنا است که آرزوی محمود افشارها، احمد کسرویها نویسندگان ایران شهر عملی خواهد شد. یعنی مردم آذربایجان «بشکل داو طلبانه» آذربایجان را ترک خواهند کرد و در مناطق فارس نشین «پناه» خواهند گرفت و از این طریق و بشکل اجباری زبان خود را «فراموش» خواهند کرد. زبان فارسی جای گزین زبان آذربایجانی خواهد گردید.

سالها است که حکومتگران تهران نسبت به آذربایجان سیاست تبعیض را بکار می گیرند. نه تنها از رشد فرهنگ آذربایجانی بشکل آگاهانه جلوگیری به عمل می آورند و مردم را مجبور می کنند تا فرزندان آنان به زبان غیر مادری تحصیل کنند و بدین طریق آذربایجانی در رشد فرهنگ خود سهمی نه داشته باشد. این بی عدالتی به حدی رسیده است که در عصری انقلاب علمی و انفارماسیون هویت ملی خود را به فراموشی به سپارد. حکومتگران تهران سالها است کوشش کرده و می کنند. بدین وسیله مردم آذربایجان را در راستایی استحاله قرار دهند. اما این حسابهای دور از واقعیت تاکنون عملی نشده و بعد نیز عملی نخواهد شد. زیرا زبان مادری در ذهن فرزندان آذربایجان آنچنان ریشه دوانده است که از بین بردن آن برای هیچ کس بویژه برای حکومتگران تهران کار آسانی نیست و نخواهد بود. این ستم تبعیض زبان یکی از ستمهای ملی نسبت به آذربایجانی و ملل و اقوام دیگر ساکنین ایران اعمال می شود. حاکمان تهران با اعمال ستم ملی نسبت به ملت آذربایجان کفایت نمی کنند. بلکه در موارد حساس دیگری این تبعیض نیز خود را نشان می دهد.

تبعیض در مورد جلوگیری از رشد اقتصادی آذربایجان این خطه حاصل خیز را سالها عقب مانده نگه داشته است. مردم زحمتکش آذربایجان برای پیدا کردن کار تأمین زندگی خانواده خود گروه گروه

علامیه کمیته مرکزی

در تاریخ ایران با خط زرین ثبت شده است. مردم غیرتمندی آذربایجان در طول تاریخ نه تنها از هویت ملی خود بلکه در راه تامین استقلال و آزادی در ایران پیش قدم شده است. جوانان تبریز ارومیه، اردبیل و سایر شهر و روستایی آذربایجان هزاران کلومتر دور از موطن خود در جنگ با عراق شرکت کردن و قهرمانیها از خود نشان دادند. سرهنگ کبیریه و دیگر افسران عالی رتبه آذربایجانی در بیرون راندن ارتش تجاوزگر صدام حسین نقش به سزائی ایفا نمودند. ما میدانیم مردم قهرمان آذربایجان در مبارزه آشتی ناپذیر خود از خشک شدن دریاچه ارومیه این منبع و منشأ زندگی جلوگیری خواهند کرد.

برای تایید این نظر به مجلس شورای اسلامی نظر اندازیم. نمایندگان بدخواه مردم آذربایجان مذاکره وضع دریاچه ارومیه را با دو فوریت به عقب انداختند. این بدین معنا است که نمایندگان «مردم» ویا مجلس نشینان کوشش می کنند که از نجات دریاچه ارومیه جلوگیری شود. اما همه ای مخالفین مردم آذربایجان باید بدانند که میهن سرتارخانه، باقرخانه، خیابانیه، پیشه وریها اجازه نخواهند داد. به نیت پلید خود نائل آیند. آذربایجانی زنده است و هویت خود را از دست نخواهد داد. آذربایجانی آنچنان قهرمانانی هستند که اولین بار در تاریخ، حکومت ملی خود را سرکار آورد و به زبان ملی خود رسمیت داد. در راه رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود گامهای بلند برداشت. چنان گامی که

اولی ۸۱ نمره ده

«الویداع»

- اوتابین نغمه سی قوزاندی، اوره کلر قولاق اولدو ینه قارداش - دئییه رک قاچماغا باشلار آیاق اولدو. قاچدیق اوزلشدیک آرازا ینه گوزلر بولاق اولدو. ینه قارداش سایاگی سوزلریمیز بیر سایاق اولدو. آرازین سود گولو داشدی، قایالیقلاردا باغ اولدو. بئله بیر رئال تصویری، بو جور جانلی شکلده ویرمک هر بیر قلم اهلینین هنری دئییل اوستاد. سنی خلقه سئودیرن جهتلردن بیری ده بودور که، هر بیر کلمندن خلق محبتی، وطن تراوتی دویولور:

- دندین آذر ائلینین بیر یارالی نیسگیلیم من. نیسگیل اولسامدا گولوم بیر ابدی سئوگیلیم من. یاد منی آتسادا ئوز گولشه نیمین بول بولویم من. ائلیمین فارسجادا دردینی سویلر دیلیم من. باخ بوتون بونلاری خاطرلاباراق، اولچوب - بیچه جک بیزیمله بیرلیکده یاشامادیغینا گوره گاه

- قورخما گلدییم! - دئییه سسلرده منه - جان!
- دندی قارداش منه:- جان- جان- دئییه رک دشمنه:
- قان - قان دندی قارداش اوزون ایللر بویو بیزی دیگرینین حصرتین چکن دوغما باجی و قارداشلارین گوروش صحنه سین خیالیندا نه گوزل محارثله جانلاندیریسان! اوخوجو آشاغیداکی مصرالاری نظردن کیچیرنده ائله ببلیر که، باکینین، گنجه نین، شکی، شیروانین اهالیسی کوتلوی صورتده آرازین گوزی ساحلینه، جنوبداکیلار ایسه گونی ساحلینه آخیشیب... بو قریبه صحنه ده تبسسوم گوز یاشلارینا، سئوینج کدره، نغمه سسلری اوخشامایا قاریشیب:

- عصرین سسی – خلقین سسیدیر،
 - وطنین آغ ساچلی سرکرده سسیدیز!
 شبهه سیز که، دشمنلرین حقیقی سیماسین ایچ اوزون
 گنیش مهنادا آچماق ایچون سیزین فیتری استعدادینیز
 بویوک احتیاج وار. قان ایچن روس اوردوسونون
 قفقازا تجاوزکار یوروشون نئجه ده محارثله،
 اوستادانه تصویر ایدیسینینیز. (گنجه نین هوجومو) و
 (بیر گنجین بیاناتی) اوخویان هر اوخوجو سزین
 غیرى عادى استعدادینیز قارشیسیندا باش ایمیه
 بیلمز:

- آتیب سون گوله نی ایگیذ اولادین،
 دشمنله ووروشدو آزاد یاشادین
 مییتر اوستوندن آشراق آنجاق یادلار بو ئولکه یه
 باسدیلار آیاق.

- سنی آزاد وطن ایتدیله اسیر
 ای آسلان زنجیرده حالین نئجه دیر؟
 بو آلولو، وطنپرور شاعرین نفسین دویوران
 مصرالار ایکی یوز ایل ئونجه باش ویرن قانلی
 حادثه حسر ایدیله ده ائله بیل بو گونوموز ایچون
 دئیلیل. اصلین ده دوننکی فاجعه میزله بو گونکی
 فاجعه میزی بیر – بیریندن آیرماق چتیندیر. چونکی،
 بونلار بیرى دیگرینین عینیدیر. بونلاری بیر-
 بیریندن آیران یالنیز زمان فرقیدیر. ماهیت عینیدیر.
 هر ایکی فاجعه عینی ال ایله توره نیب. ینی
 اشغالچی همین اشغالچی ال آلتیسیدا همین
 داشناکلاردیر. فقط کهنه اوپونلارا معاصر دون
 گنیدیر یلمیشدیر...

هر حالدا ایندی بو تایین قره باغی دا او تایین قره
 باغی کیمی اشغال آلتیندادیر. اوستاد! قرع باغی
 روسلارلا ارمنیلر اشغال ایدیپ.

محسن قارداش خشگنابی

- اولو تانریا شکرلر ایدیر، گاه دا آجیب، تأسف
 لنیرم. تأسف لئمک سوزسوز که، بورجومدور.
 عینی زماندا حاضرکی شرایطده یاشامادیغینا
 گوره ده اولو تانریا تشکر اتمیمده سببسیز دنیل.
 آخی سنین گوزی حصرتی ایله چیرگینان
 کوورک و بیلور کیمی ساف اوره گین
 گنرچکدنده خوجالی فاجعه سینی یاشایا
 بیلمزدی. ۷۵ نفر ترک بالاسینی باغیردا –
 باغیردا ابری دیامترلی بورویا دولدوروب هر
 ایکی باشین فاینالقدان سونرا یوکسکلیدن
 گولون ایچینه اوتورمه سین ایشیتسیدین غیرت
 قانین دامارلاریندا دونمازدیمی؟ آذربایجانین
 ناموس و شرفی رمزی ساییلان شاعره
 خورشودبانو ناتوانین، مولا پناه واقفین و داهی
 اوزیرین هیکلین روس، ارمنی فاشیستلری
 طرفیندن گوله باران ایدیلمه سی ده سنین ایچون
 دوزولمز اولاردی! چونکی بودا عادى نفرت
 حیسیسندن دوغان تشبث دنیل! اصلینده بونون
 رمزی معناسی سنه، منه و بوتون ترک خلقینه
 میدان اوخوماق دیمکدیر!

- هر حالدا بیر عمر حصرتین چکیب، زیارت
 انده بیلمه دیین گوزل فره باغی تجاوزکار روس
 مرملری خرابازارا چپویریب...

ترکه قارشی همیشه دشمن مناسبتی بسلین ارمنی
 فاشیستلری فاکتیکى اولاراق فره باغدا یاشامیش
 ایچون یارارلی یر قویمایلار قالا. بوتون بونلارین
 هامیسیندان دها بیر آغیر دردی میز وار که، اونو حتی
 دیله گنیرمیه بنله اوتانیرام. مطبوعاتین ویردیگی
 خبره گوره بعضی اوزدن ایراق (جنوبلو سویداش)
 لاریمیز ارمنیلرله علاقه یه گیره رک قره باغدا
 انشعات ایچون آز – چوخ یارارلی اولان
 ماتریاللاری داشیب، آپاراراق استفاده ایدیرلر. ای
 بیر عمر (غم اوستونه – غم قالایان) اوستاد! بوتون
 بو فاجعه لری بیزیمله بیرلیکده یاشایب، بنله
 (مانقوت) لاری ئوز گوزوموزله گورسیدیز بیر
 ترک، ائله جه ده جنوبلو کیمی اوتاناردیمیزی؟ اما
 هر حالدا سیزده بو فاجعه لری بیزیمله بیرلیکده
 یاشاسایدینیز یاخشی اولاردی. آخی سیز:

Azərbaycan qəzeti

5- ci dövr 82 - ci nömrə.Sentyabr 2011

Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi

www.adf-mk.org

باش رداکتور: امیر علی لاهرودی

قزئت تحریریه هئیتی طرفیندن نشر اولونور

قزئتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر

E- mail info @ adf – mk Org